

داوود مردی به دنبال اراده خدا
شش درس درباره سال های اولیه زندگی داوود که به بچه ها کمک می کند
تا در شبیه شدن به خدا رشد کنند

محتوا

....چطور باید یک بچه را به سوی مسیح هدایت کرد

- درس ۱- اسرائیل تقاضا می کند که پادشاهی داشته باشد
- درس ۲- سرپیچی شائول
- درس ۳- خدا داوود را برای پادشاه شدن انتخاب می کند
- درس ۴- خدا به داوود پیروزی می بخشد
- درس ۵- شائول حسود سعی می کند داوود را بکشد
- درس ۶- داوود زندگی شائول را می بخشد

کپی اصلی آیه های حفظی

چشم انداز درس

متن کتاب مقدس

اول سموئیل ۸- ۱۰

آیه حفظی

افسیان ۵: ۱۷ " از این جهت بی فهم مباشید، بلکه بفهمید

"که اراده خداوند چیست

هدف تعلیم

بچه نجات یافته با اجازه دادن به خدا که جای اول را در

زندگی اش داشته باشد

برای بهترین های خدا اشتیاق خواهد داشت

تعلیم اصلی

جای اول در زندگی تان را به خدا بدهید

تاکید برای نجات نیافتگان

به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان آورید

کمکهای تصویری

۱۰- ۱- دی

خطوط کلی درس

۱. مقدمه

آیا در داشتن روش خود پافشاری می کنید؟ کتاب مقدس درباره گروهی از مردم می گوید که فکر می کردند، می دانستند چه چیزی برای آنها بهترین است. آیا خدا به آنها اجازه می داد تا راه خودشان را داشته باشند؟

۲. پیشرفت وقایع

۱. پسران ناراست سموئیل داورن اسرائیل شدند. (۸: ۱- ۳)

۲. رگان اسرائیل از سموئیل خواستند تا پادشاهی برای آنها مقرر کند. (۸: ۴- ۵)

۳. خدا به سموئیل گفت در خواست آنها را انجام دهد اما درباره نتایج این کار به آنها هشدار دهد. (۸: ۶- ۹)

۴. سموئیل به مردم هشدار داد، اما آنها در داشتن یک پادشاه پافشاری کردند. (۸: ۱۰- ۲۰)

۵. سموئیل به خداوند گفت که به آنها پادشاهی می دهد. (۸: ۲۱- ۲۲)

۶. قیس، مردی از قبیله بنیامین، پسر اش شائول را به جستجوی الاغ های گمشده اش فرستاد. (۹: ۱- ۳)

- (چ. شائول و خادم اش به جستجوی مرد خدا پرداختند تا آنها را راهنمایی کند. (۹ : ۱۴ - ۱۷)
- (ح. خدا برای سموئیل آشکار ساخت که شائول برگزیده او برای پادشاه شدن است. (۹ : ۱۴ - ۱۷)
- (خ. سموئیل از شائول دعوت کرد تا برای خوردن با او بنشیند، بعد به او گفت که خدا او را انتخاب کرده است. (۹ : ۱۸ - ۲۶)
- (د. سموئیل محرمانه شائول را به عنوان پادشاه اسرائیل مسح کرد، آنوقت شائول را به خانه فرستاد، و به او (سه نشانه گفت که تصدیق می کرد خدا شائول را خوانده بود. (۹ : ۲۷ - ۱۰ : ۸)
- (ذ. نشانه های وعده داده شده اتفاق افتاد و آنچه را که سموئیل گفته بود، تصدیق کرد. (۱۰ : ۹ - ۱۶)
- (ر. سموئیل قوم را جمع کرد تا پادشاه جدید را معرفی کند، و بعد شائول پنهان شده را آشکار کرد. (۱۰ : ۱۷ - ۲۲)

۳- نقطه اوج داستان

مردم شادی کردند! آنها چیزی را که خواسته بودند، یافتند- آنها پادشاه جدیدی داشتند (۱۰ : ۲۳ - ۲۵)

۴- نتیجه

(شائول با گروهی از مردان امین به خانه اش در جبعه بازگشت. (۱۰ : ۲۶ - ۲۷)

بچه نجات یافته

(جای اول در زندگی تان را به خدا بدهید. (افسسیان ۵ : ۱۷)

ت (بچه نجات نیافته

به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده خود ایمان بیاور

(اعمال ۱۶ : ۳۱)

تعلیم آیه حفظی

آیه حفظی: افسسیان ۵: ۱۷

"از این جهت بی فهم مباشید، بلکه بفهمید که اراده خداوند چیست"

مقدمه:

آیا تا به حال اصطلاح "حکیم مثل یک جغد را شنیده اید؟ برای بعضی از مردم جغدها به خاطر داشتن چشم های بزرگ، حکیم به نظر می رسند، اما آیا واقعاً جغدها حکیم هستند؟
(بعضی از افراد فکر می کنند که هر چقدر بتوانند بیشتر یاد بگیرند، حکیم تر خواهند بود- اما این درست نیست. کلام خدا به ما می گوید که حکیم بودن واقعاً به چه معناست)

معرفی:

آیه را از روی کتاب مقدس تان بخوانید، بعد به بچه ها اجازه دهید آیه را (از روی آیه نمایشی با شما بخوانند)

توضیح:

از این جهت بی فهم مباشید" - خدا می خواهد که شما حکیم باشید- حکیم "متضاد بی فهم است.
بلکه بفهمید که اراده خدا چیست" - بفهم که خداوند می خواهد شما چه "کاری انجام دهید، بعد آن کار را انجام بده. چطور می دانیم که اراده خداوند چیست؟ ما با خداوند کلام اش، کتاب مقدس می فهمیم. وقتی که می فهمیم و کاری را که او به ما می گوید انجام می دهیم، او می تواند به ما کمک کند که تصمیمات درستی بگیریم. این راه حکیم بودن است

کاربرد:

نجات یافتگان اگر به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده خود ایمان آورده اید، یکی از حکیمانه ترین تصمیمات این است که بتوانید جای اول در زندگی تان را به خدا بدهید. چیزهایی را که موجب خشنودی خداست، انجام دهید و بگویید.
نجات نیافتگان: اگر تا به حال به عیسی مسیح ایمان نیاورده اید تا شما را از گناه نجات دهد، شما می توانید مطمئن شوید که این حکیمانه ترین و مهم ترین تصمیمی است که شما خواهید گرفت. امروز در ادامه کلاس به شما فرصتی داده خواهد شد که به عیسی ایمان بیاورید

تکرار: از رهبر پیروی کنید

اجازه دهید که بچه ها آیه را تکرار کنند مادامی که حرکات شما را (تکرار می کنند. برای مثال روی یک پا بپرید، دستتان به شکل یک دایره بچرخانید، در جا راه بروید. اجازه دهید تعدادی از بچه ها یک عمل را انتخاب کنند و کلاس را مادامی که آیه را تکرار می کنند، هدایت کنند. ۸ تا

(۱۰. فعالیت را انجام دهید)

درس

مقدمه

آیا شما به داشتن روش خودتان پا فشاری می کنید؟ وقتی که شما می خواهید روش خودتان را داشته باشید، مشکلی وجود دارد و آن این است که شما نمی دانید چه چیز همیشه برای شما بهترین است. کتاب مقدس درباره گروهی از مردم صحبت می کند که فکر می کردندمی دانستند چه چیزی برای ایشان بهترین بود.

پیشرفت وقایع

(تصویر سموئیل و گروه بزرگان، ۲-۱- دی را نصب کنید)
وقتی که سموئیل از خانه اش در رامه بیرون آمد، آفتاب بعداز ظهر داغ بود. او یک نبی بود- مردی که حرفهای خدا را به مردم می گوید- او بسیا رمورد احترام بود. وقتی که سموئیل سعی کرد تا به گروهی از مردم که نزد یک می شدند نگاه کند، دستش اش را سایبان چشمان اش در مقابل آفتاب کرد. آنها بزرگان اسرائیل بودند- آنها رهبران خانواده ها بودند. به نظر می رسید آنها در صحبت کردن با سموئیل بسیار مضطرب بودند. شاید مردی که جلو گروه با سموئیل صحبت می کرد به نحوی عصبی بود، " سموئیل، ما درباره آینده قوم مان اسرائیل صحبت می کردیم، و همه ما نگرانی هایی داریم." مردان می دانستند که سموئیل پیر می شد و به زودی از میان آنها می رفت.

او پسران اش یوییل و ایباه را به عنوان داوران مقرر کرده بود، اما آنها مانند پدر شان نبودند. آنها ناراحت و طماع بودند و مردم نمی خواستند این مردان بر آنها حکومت کنند. پسران سموئیل می خواستند به جای روش خدا، کارها را به روش خودشان انجام دهند

شما و من بسیار شبیه پسران سموئیل هستیم. ما با خواست رفتن به راه خودمان به دنیا آمدیم. وقتی که ما کارها را به روش خودمان انجام می دهیم، شریعت خدا را می شکنیم.

خدا این را گناه می نامد. تمایلات گناه آلود ما، ما را از خدا جدا می سازد و باعث می شود کارهای گناه آلودی مانند دزدی، سرپیچی و دروغ گفتن انجام دهیم. هر چند همه ما گناه کرده ایم، خدا شما و من را دوست دارد. خدا مقدس و عالی است و نمی تواند گناه را بپذیرد. اما او رذاهای ساخت تا گناه بخشیده شود

پسر عالی خود اش ، عیسی مسیح خداوند، از آسمان بر روی زمین آمد تا برای گناه شما و من بر روی صلیب بمیرد. خون عیسی بر روی صلیب ریخت و او مرد تا مجازاتی را که شما و من مستحق بودیم بردارد

کلام خدا می گوید، " لکن خدا محبت خود را در ما ثابت می کند از اینکه هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد" (رومیان ۵: ۸) . او دوباره زنده شد تا ثابت کند پرداخت گناه شما کامل بود. حالا شما می توانید به عیسی خداوند ایمان بیاورید و از او بخواهید تا شما را ببخشد و از مجازات گناه نجات دهد. زندگی شما می تواند تغییر یابد تا شما دیگر کارها را به جای روش خدا به روش خودتان انجام ندهید

پسران سموئیل کارها را به روش خودشان انجام می دادند، و علاقه مند نبودند که تغییر یابند. مردم نمی خواستند که این مردان نا راست بر آنها حکومت کنند. پس بزرگان با درخواستی به نزد سموئیل آمدند. اینک تو پیر شده ای " سخنگوی گروه ادامه داد " پسران ات به راه تو " رفتار نمی کنند. " پس الان بر ما پادشاهی نصب نما تا مثل سایر امت ها بر ما حکومت نمایند.

سموئیل نمی توانست به گوش هایش اعتماد کند. پادشاه؟ آنها یک پادشاه می خواهند؟ او از این چنین تفکری عصبانی شد! چرا مردم چنین چیزی می خواهند؟ آیا خدا پادشاه مقتدر آنها نبوده و آنها را در نبرد ها پیروز مندانه هدایت نکرده است؟ آیا به آنها داوران نداده است؟ تا ایشان را داوری و راهنمایی کنند؟ آیا آنها نفهمیدند که مانند قوم های دیگر نبودند؟

به عنوان قوم برگزیده خدا، ایشان رابطه مخصوصی با خدا داشتند که آنها را از تمامی اقوام دیگر جدا می ساخت. آنها می باید مردمانی پیرو دل خدا بودند و مکان اول را به او بدهند. اما در عوض آنها می خواستند که یک پادشاه زمینی بر آنها حکومت کند. آنها داوری سموئیل و پسران اش را رد می کردند. بدتر، آنها خدا را رد می کردند! چقدر احمقانه است که قوم خدا، حاکمیت خدا را در زندگی هایشان رد کنند

اما آیا شما می دانید که حتی امروزه قوم خدا اغلب نمی پذیرند که اجازه دهند خدا زندگی هایشان را هدایت کند؟ اگر شما با پذیرفتن عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان به او ایمان آورده اید، شما باید مکان اول در زندگی تان را به خدا بدهید. دادن جای اول به خدا به این معناست که اجازه دهید او شما را در تصمیم گیری هدایت کند، و تنها کاری را انجام دهید که می دانید موجب خشنودی او می شود.

شاید شما بدون این که بدانید این مکان را به شخص یا چیز دیگری داده اید. شاید به دیگران اجازه داده اید که زندگی تان را هدایت کنند. شاید به دوستانتان اجازه داده اید که در تصمیمات، شما را هدایت کنند، مانند رفتن به مکان هایی که به جای خشنودی خدا، آنها را خشنود می سازد.

شاید اجازه داده اید تلویزیون یا ورزش زندگی تان را کنترل کند. شما اجازه می دهید که این چیزها تصمیم بگیرند چطور شما وقتتان را صرف کنید به جای این که از خدا بپرسید او می خواهد شما چه کاری انجام دهید.

شاید سعی کنید خودتان بر زندگی تان حکومت کنید! وقتی که به نحو خود خواهانه ای تصمیم می گیرید تا چیزی را انجام دهید یا بگویید که به جای خشنودی خدا، شما را خشنود می سازد، شما آن مکان مخصوص را که شایسته خدا است، اشغال کرده اید.

استنباه بسیار بزرگی است که اجازه دهید کسی یا چیزی جای خدا را در زندگی تان اشغال کند. وقتی اجازه می دهید این اتفاق واقع شود، آسان است کعه از نقشه عالی خدا برای شما دور شوید، و این تنها باعث اندوه شما می شود. کتاب مقدس می گوید، " از این جهت بی فهم مباشید، بلکه بفهمید که (اراده خدا چیست. " (افسسیان ۵: ۱۷)
اراده خدا برای شما این است که شخصی باشید که پیرو اراده او باشید و مکان اول را به او بدهید. احمقانه است که اجازه ندهید خدا در زندگی شما حکومت کند.

چقدر احمقانه بود که قوم اسرائیل حکومت خدا در زندگی شان را رد کردند! آنها خواستند که سموئیل یک پادشاه زمینی مقرر کند. (تصویر ۱- دی را با ۳- دی تعویض کنید. تصویر بزرگان ۲- دی را در سمت چپ ۳- دی نصب کنید.)

سموئیل با ناراحتی نزد خدا دعا کرد و در خواست مردم را به خدا گفت. خدا به سموئیل گفت، " قوم، تو را ترک نکردند بلکه مرا ترک کردند تا بر ایشان پادشاهی نمایم

خدا بسیار غمگین بود که قوم وفاداری خدا نسبت به آنها را فراموش کرده بودند. او به سموئیل گفت که خواسته قوم را انجام دهد، لیکن به آنها درباره انتخاب شان هشدار بدهد

تصویر سموئیل، ۳- دی را با ۱- دی عوض کنید. تصویر بزرگان ۲- دی (را به سمت راست ۱- دی انتقال دهید

سموئیل به بزرگان هشدار داد. " رسم پادشاهی که بر شما حکم خواهد نمود این است که پسران شما را گرفته، ایشان را بر ارابه ها و سواران خود خواهد گماشت و پیش ارابه هایش خواهند دوید

صدار او قوی تر شد، " و دختران شما را برای عطر کشی و طبخی و خبازی خواهد گرفت. و بهترین مزرعه ها و تاکستان ها و باغات زیتون شما را گرفته، به خادمان خود خواهد داد. او از شما مالیات خواهد گرفت و غلامان و کنیزان و نیکو ترین جوانان شما را و الاغ های شما را گرفته

" برای کار خود خواهد گماشت. شما باید خدمتکاران او باشید بعد صدای او با غم می لرزید، او گفت، " و در آن روز از دست پادشاه خود که برای خویشتن برگزیده اید فریاد خواهید کرد و خداوند در آن روز شما را اجابت نخواهد نمود

بزرگان هشدار جدی خدا را شنیدند، اما آنها همچنان از گوش کردن خورداری کردند. آنها تصمیم شان را گرفته بودند

آنها گفتند " نی بلکه بر باید بر ما پادشاهی باشد. تا ما نیز مثل سایر امت ها باشیم و پادشاه بر ما دآوری کند و پیش روی ما بیرون رفته، در جنگ های ما برای ما بجنگد

سموئیل به خاطر تصمیمات احمقانه ایشان با چشمانی اشکبار برگشت. او دعا کرد، و خدا دوباره به او گفت که در خواست مردم را انجام دهد. این بهترین راه خدا برای قوم اش نبود. بهترین روش خدا این است که او همیشه جای اول را در زندگی شما داشته باشد

اگر شما به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان از گناه ایمان آورده اید، خدا می خواهد شما جای اول در زندگی تان را به او بدهید. وقتی که شما وسوسه می شوید تا اجازه دهید چیزهای دیگر یا افراد جای اول خدا را اشغال کنند، شما نیاز دارید که متوقف شوید و درباره متمم چیزهایی که خدا برای شما انجام داده است، فکر کنید. به یاد بیاورید که او شما را از گناهانتان نجات داده است و این که شما به او تعلق دارید.

او حق دارد که زندگی شما را هدایت کند. درباره تمامی برکاتی که خدا به شما داده است فکر کنید و این که چطور او به شما کمک کرده تا برای او زندگی کنید. همچنین درباره این فکر کنید که اگر اجازه دهید چیزهای دیگر جای اول را که متعلق به خداست، بگیرد، چه اتفاقی خواهد افتاد اگر دوستان در زندگی تان جای اول را دارند، شاید آنها شما رزا تشویق خواهند کرد که کارهایی انجام دهید که به شهادت تان برای خداوند لطمه می زند. اگر فعالیت هایی مانند تلویزیون یا ورزش در زندگی تان جای اول را دارند، شاید این ها زمانی را که شما می توانید به خدمت خداوند و بهتر شناختن او بپردازید، پر کنند.

اگر شما خودتان جای اول در زندگی تان را اشغال کرده اید، تصمیمات شما به نحو خودخواهانه ای اتخاذ خواهد شد و باعث جلال و احترام خدا نخواهد شد.

از خدا بخواهید تا به شما "خواست یا اراده" بدهد که او را در جای اول زندگی تان قرار دهید. خدا در کتاب مقدس می گوید، "از این جهت بی فهم (مباشید، بلکه بفهمید که اراده خداوند چیست." (افسیان ۵: ۱۷)

با حماقت بر راه خودتان پافشاری نکنید. اگر شما حکیم هستید، شما خدا را در جای اول زندگی تان قرار می دهید. این اراده او برای شماست.

قرار دادن خدا در جای اول همیشه بهترین راه برای قوم اش است. تصاویر را بردارید. تصویر شائول و خدمتکاران، ۵-۴ - دی را نصب (کنید)

یک مرد ثروتمند به نام قیس، که به قبیله بنیامین متعلق بود، یک پسر بلند قد و خوش تیپ به نام شائول داشت. قیس به شائول گفت که به همراه خدمتکاری به جستجوی الاغ های گمشده اش بپردازد. شائول و خدمتکاران اش در میان کوه ها، دره ها و دشت ها جستجو کردند، اما نتوانستند الاغ ها را بیابند. بعد از سه روز شائول گفت، "بیا برگردیم، مبادا پدرم از فکر الاغ ها گذشته و نگران ما شود." اما خدمتکار گفت، "اینک مرد خدایی در این شهر است و او مردی مکررم است و هر چه می گوید البته واقع می شود. الان آنجا برویم، شاید از راهی که باید برویم ما را اطلاع بدهد."

(تصویر دخترها و کوزه های آب، ۶ - ۶ - دی را نصب کنید)

در ورودی شهر رامه، آنها دخترانی را دیدند که برای برداشتن آب از چاه می آمدند. شائول پرسید آیا آنها می دانند که مرد خدا کجاست. آنها گفتند که او در شهر است و چیزها را برای یک قربانی و مهمانی مخصوص آماده می کند. وقتی که شائول و خدمتکار اش وارد شهر شدند، دیدند که سموئیل به

سوی آنها می آید. (تصویر دخترها و کوزه های آب، ۶-۶- دی را بردارید.
(تصویر سموئیل ۱- دی را نصب کنید

قتی که سموئیل به این مرد بلند قد و جوان نگاه کرد، خدا به او گفت، " این.
" همان است که تو باید او را به عنوان پادشاه اسرائیل مسح کنی

شائول بدون این که سموئیل، نبی سالخورده را بشناسد با او صحبت کرد. " آیا
"می توانی بگویی که کجا می توانیم خانه مرد خدا را بیابیم؟

من هستم." سموئیل جواب داد. " پیش من به مکان بلند برو زیرا که شما "
امروز با من خواهید خورد، و بامدادان تو را رها خواهم کرد." شاید وقتی

که سموئیل کلمات بعدی را گفت، با تماشای چهره متعجب شائول لبخند زد. "
و اما الاغ هایت که سه روز قبل گم شده است، درباره آنها نگران نباش. آنها

پیدا شده اند. آیا تو مردم نیستی که تمامی اسرائیل در جستجوی آن هستند؟"
شائول به چهره پیر و چین خورده نبی خیره شد. چطور سموئیل می توانست

از الاغ ها آگاه باشد- شائول حتی به آنها اشاره نکرده بود. چرا او مرا دعوت
می کند که امشب با او بمانم؟ منظور او از جمله آخر چه بود؟ چرا من باید

مردی باشم که تمام اسرائیل در جستجوی او هستند؟ " آیا من از قبیله بنیامین
نیستم؟ "، شائول پرسید، " آیا بنیامین یکی از کوچک ترین قبیله های اسرائیل

نیست؟ خانواده من حتی یکی از خانواده های مهم در قبیله مان نیز نیستند.
"چرا با من این چنین سخن می گویی؟

(. تصویر آشپز، ۷- دی را نصب کنید)

سموئیل بدون این که پاسخی بدهد، شائول را به مهمانی برد. او از آشپز
خواست که مقدار مشخصی از گوشت را که خود اش برای او کنار گذاشته

بود، به شائول بدهد

هنگام شام، سموئیل شائول را به خانه اش برد و اتاقی را در خانه اش به
او داد

(. تصویر آشپز، ۷- دی را بردارید)

صبح زود روز بعد، شائول و خدمتکار اش به سوی خانه شان حرکت کردند.
سموئیل تا بیرون شهر با آنها قدم زد، بعد به شائول گفت که خدمتکار اش را

به جلو بفرستند

تصویر خدمتکار، ۵- دی را بردارید. تصویر سموئیل، ۱- دی را با تصویر)
(. ۸- دی تعویض کنید

سموئیل یک ظرف روغن را برداشت و با ریختن روغن بر سر شائول او
را مسح کرد. این یک نشانه بود که شائول برای امر مخصوصی انتخاب

شده بود. بعد سموئیل شائول را بوسید و گفت، " خداوند تو را مسح کرد تا بر
" میراث او ، فرزندان اسرائیل پادشاه شوی

اکنون شائول فهمیده بود که سموئیل چه چیزی به او می گفت. خدا او را
انتخاب کرده بود تا پادشاه باشد! (تصویر سموئیل، ۸- دی را با ۱- دی

(. تعویض کنید

سموئیل به شائول گفت که سه چیز در راه به خانه برای او اتفاق می افتد.
این اتفاقات نشانه هایی بودند که ثابت می کردند گفته سموئیل درست است.

اول آنها دو مرد را ملاقات می کنند که خواهند گفت الاغ ها پیدا شده اند و
پدر اش نگران او است. بعد، آنها سه مرد را ملاقات می کنند که یکی سه

بزغاله، دیگری سه قرص نان و دیگری سه بطری شراب را حمل می کنند که در حال نواختن و سرودن برای ستایش خدا هستند. شائول در سرودها و ستایش های ایشاه به آنها خواهد پیوست
وقتی که این سه چیز اتفاق بیافتد،" سموئیل گفت، " تو خواهی دانست که " (خدا با تو است". (تصویر شائول، ۴- دی را بردارید
وقتی که شائول و خدمتکاران اش به سوی خانه سفر می کردند، هر یک سه نشانه، درست همانطور که سموئیل گفته بود، اتفاق افتاد. حالا شائول گواه داشت - خدا با او بود
(تصویر قوم، ۹ و ۶، ۲- دی را نصب کنید)

بعد سموئیل قوم اسرائیل را جمع کرد. پیش از این که سموئیل پادشاه جدید را معرفی کند، دوباره به آنها هشدار داد که این بهترین راه خدا نبود. او به مردم یادآوری کرد که خدا چه کارهای شگفت انگیزی برای آنها انجام داده بود. بعد سموئیل می باید با اندوه گفته بود، " و شما امروز خدای خود را که شما را از تمامی بدی ها و مصیبت های شما رهانید، اهانت کرده، او را گفتید: "پادشاهی بر ما نصب نما

سموئیل به قوم آموزش داد که قبیله به قبیله از جلو او عبور کنند. او قبیله بنیامین را انتخاب کرد. بعد او خواست که سران خانواده های بنیامین از جلو او بگذرند. بالاخره، سموئیل اعلام کرد که شائول، پسر قیس انتخاب شد که پادشاه اسرائیل باشد. اما شائول کجا بود؟ آنها جستجو کردند ولی نتوانستند او را بیابند. نهایتاً خداوند اجازه داد آنها بدانند که شائول در میان اسباب ها پنهان شده بود. آنها نگاه کردند و مطمئن شدند که شائول آنجا بود! شائول فکر نمی کرد که آنقدر شخص مهمی بود که بتواند پادشاه اسرائیل باشد. آنها شائول را در مقابل قوم قرار دادند. او از همه آنها قد بلند تر بود و خیلی خوش تیپ بود. او درست همانطور بود که قوم فکر می کردند یک پادشاه می باید به نظر برسد!

(تصویر شائول ۴ - دی را نصب کنید)

نقطه اوج داستان

قوم شادی کردند. آنها به راه خودشان رفتند. آنها یک پادشاه جدید داشتند (تصویر شائول ۴- دی را با ۱۰- دی تعویض کنید)

نتیجه

پادشاه زنده باد، خدا پادشاه را حفظ کند. " آنها با شادی فریاد زدند. سموئیل " چند آموزش و راهنمایی برای پادشاه جدید نوشت و قوم را به خانه هایشان فرستاد. همچنین شائول پادشاه به خانه بازگشت. سموئیل آن روز را با دلی سنگین و اندوه بار سپری کرد
او برای قوم غمگین بود چون آنها خدا را به عنوان پادشاه خویش نپذیرفتند. او می دانست این بهترین روش نیست. این روش تنها می توانست موجب اندوه و گرفتاری آنها شود

تقلا

اگر شما به عیسی خداوند ایمان آورده اید و به او اعتماد کرده اید تا شما را نجات دهد، آیا در این هفته به یاد خواهید آورد که بهترین خدا برای شما این است که جای اول را در زندگی تان به او بدهید؟

وقتی که وسوسه می شوید تا اجازه دهید که چیزهای دیگر این جای مخصوص را اشغال کند، آیا متوقف خواهید شد و به تمام چیزهایی که خدا برای شما انجام داد فکر خواهید کرد؟ به یاد آورید که آیه حفظی ما چه می گوید. (افسسیان ۵: ۱۷) را با هم تکرار کنید

مانند قوم اسرائیل احمق نباشید، بلکه بفهمید که اراده خدا برای شما این است که شخصی پیرو اراده خدا باشید، و جای اول در زندگی تان را به او بدهید.

اگر اجازه می دادید که چیزهای دیگر جای اول را داشته باشند، این گناه را به خدا اعتراف کنید. از خدا بخواهید به شما کمک کند تا او را اول نگه دارید.

برگه کاغذی دارم که بر روی آن نوشته شده است، " در این هفته خدا را " اول نگه دارید

شما می توانید این برگه را بر روی آینه اتاق تان یا کنار تخت تان یا بر روی در قفسه مدرسه تان نصب کنید. اجازه دهید تا این برگه در تمام طول هفته بهر شما یادآوری کند که جای اول در زندگیتان را به خدا بدهید.

دعوت

خدا نمی تواند در زندگی تان اول باشد تا وقتی که شما به او به عنوان نجات دهنده خود از گناه ایمان بیاورید. اگر مایلید که به خدا اعتراف کنید که گناه کرده اید، و ایمان دارید که عیسی خداوند رنج کشید و مرد تا مجازات گناهان شما را بردارد و دوباره زنده شد، امروز می توانید نجات یابید. کتاب مقدس می گوید، " به خداوند عیسی مسیح ایمان آور که تو و اهل خانه (ات نجات خواهید یافت. " (اعمال ۱۶ : ۳۱)

آیا به او ایمان می آورید و به او اعتماد می کنید تا شما را نجات دهد؟ شما می توانید درست حالا با خداوند صحبت کنید. چیزی مثل مثل این بگویید، " عیسی خداوند عزیز، ایمان دارم که برای من مردی. برای کارهای اشتباهی که انجام داده ام، متأسف هستم

لطفاً گناهان مرا از من دور کن و کمک کن که از تو اطاعت کنم. متشکرم که امروز مرا نجات می دهی. " (از کسانی که این دعا را خواندند بخواهید تا شما را در یک مکان مشخص بعد از کلاس ملاقات کنند تا به سوالاتی که ممکن است داشته باشند، پاسخ گویند. به بچه ها یادآوری کنید که اگر آنها حالا دعا نکرده اند، می توانند بعد از اتمام کلاس با خداوند صحبت کنند.)

سوالات مروری

۱. قوم اسرائیل از خدا چه تقاضایی کردند؟ (آنها تقاضای پادشاه کردند)
۲. چرا سموئیل از این که آنها پادشاه خواستند، نا امید شد؟ (آنها رهبری خدا را ترک می کردند و تمامی کارهایی را که او برایشان انجام داده بود، فراموش می کردند)
۳. آیه حفظی امروز را تکرار کنید. آیه به چه مناسبت؟ (افسسیان ۵: ۱۷)
" از این جهت بی فهم مباشید، بلکه بفهمید که اراده خداوند چیست. " ما باید (بفهمیم که خدا از ما چه چیزی می خواهد و آن را انجام دهیم)
۴. پسران و دختران مسیحی چه چیزی را به جای خدا در جای اول زندگی هایشان قرار می دهند؟ (دوستان، تلویزیون، فعالیت های ورزشی و دیگر (تفریحات، خودشان)
۵. اراده خدا برای یک شخص نجات نیافته چیست و این چگونه امکان پذیر است؟ (او باید نجات یابد، او باید ایمان آورد که خدا پسر خود عیسی را از آسمان فرستاد تا برای گناهان او بر روی صلیب بمیرد، و عیسی خداوند را (به عنوان نجات دهنده خود بپذیرد)
۶. وقتی که سموئیل درباره درخواست قوم نزد خداوند دعا کرد، خدا چگونه پاسخ داد؟
او گفت که به آنها پادشاهی بدهد، اما درباره آنچه پادشاه از آنها خواهد (خواست، به آنها هشدار دهد)
۷. چند چیزی که سموئیل انجام داد تا شائول بداند که او پادشاه برگزیده خدا بود، چیست؟
او به شائول گفت که الاغ ها پیدا شده بودند و این که شائول مردی بود که (تمام اسرائیل در جستجوی او بودند، او مقدار مخصوصی از غذا در مهمانی به او داد، شائول را مسح کرد و او سه نشانه به شائول داد تا منتظر دیدن (آنها باشد)
۸. شائول چه نوع آدمی بود؟ (او مردی بلند قد و خوش تیپ بود، او شبیه پادشاه به نظر می رسید، او فروتن بود)
۹. چگونه می توانید نشان دهید که خدا را دوست دارید؟ (جای اول را در زندگی تان به خدا بدهید، اجازه ندهید افراد یا چیزهای دیگر افکار و (رفتارتان را هدایت کنند)

چشم انداز درس

اول سموئیل ۱۲: ۱-۲۵، ۱۳: ۱-۱۴، ۱۵: ۱-۳۵

متن کتاب مقدس

یعقوب ۴: ۱۷ "پس هر که نیکویی کردن بداند و به عمل نیاورد

آیه حفظی

"او را گناه است"

بچه نجات یافته کاملاً از خدا اطاعت خواهد کرد، و قوت خود را

هدف تعلیم

برای وقتی که وسوسه می شود تا سرپیچی کند، اختصاص می دهد.

وقتی که وسوسه می شوید تا سرپیچی کنید، در طلب قوت خدا

تعلیم اصلی

باشید

به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده خود ایمان بیاورید

تاکید برای نجات

نیافتگان

کمک های تصویری ۲۰-۱۱-دی

خطوط کلی درس

۱. مقدمه

پادشاه جدید اسرائیل، شائول به زودی اولین آزمایش اش در ارتباط با اطاعت از خدا را خواهد داشت آیا او با موفقیت آزمایش را می گذراند؟

۲. پیشرفت وقایع

الف- در تاجگذاری شائول، سموئیل دوباره به قوم گناهشان را یادآوری کرد. (۱۲: ۱-۱۵)

ب- قوم توبه کردند و سموئیل به آنها اطمینان داد اگر از خدا اطاعت کنند، پادشاهی حفظ خواهد شد. (۱۲: ۱۶-۲۵)

پ- سرپیچی شائول مبنی بر گذراندن یک قربانی، موجب مواخذه فوری شائول به وسیله سموئیل شد، سموئیل (به شائول گفت که خدا پادشاهی را از خانواده اش خواهد گرفت. (۱۳: ۱-۱۴)

ثیل به شائول دستور خدا را گفت، شائول باید عمالیقیان شریر را کاملاً نابود می کرد. (۱۵: ۱-۳)



ث- شائول اطاعت کرد و سپاهیان خود را جمع کرد و به عمالیقی ها حمله کرد. (۱۵: ۴-۷)

شائول عمالیقی ها را نابود کرد ولی پادشاه و بهترین حیوانات را زنده نگه داشت. (۱۵: ۸-۹)

ج- خدا درباره نا اطاعتی شائول به سموئیل گفت، و این باعث اندوه سموئیل است. (۱۵: ۱۰-۱۱)

ح- شائول متکبرانه ستونی به یادگاری برای خود اش ساخت تا پیروزی اش را جشن بگیرد. (۱۵: ۱۲)

خ- شائول به سموئیل گفت که از فرمان خدا اطاعت کرده بود. (۱۵: ۱۳)

د- سموئیل شائول را با عدم اطاعت کامل اش روبه رو کرد. (۱۵: ۱۴-۱۹)

ذ- شائول پافشاری کرد که او اطاعت کرده و قوم را برای نگه داشتن حیوانات مقصر کرد. (۱۵: ۲۰-۲۲)

شائول اهمیت اطاعت کامل از خدا را به شائول توضیح داد. (۱۵: ۲۲-۲۳)

ز- شائول صادقانه گناه اش را به سموئیل اعتراف نکرد. (۱۵: ۲۴-۲۵)

۳- نقطه اوج داستان

سموئیل با اندوه عمیق به شائول گفت، "چون که کلام خداوند را ترک نموده ای، خداوند نیز تو را از پادشاه بودن (برای اسرائیل رد نموده است." (۱۵: ۲۶)

۴- نتیجه

(سموئیل اجاج پادشاه را کشت، بعد از شائول جدا شد. (۱۵: ۳۲-۳۵)

بچه نجات یافته

(از خدا قوت بطلبید تا او را کاملاً اطاعت کنید. (یعقوب ۴: ۱۷)

ت (بچه نجات نیافته

(به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده خود ایمان آورید. (یوحنا ۵: ۲۴)

تعلیم آیه حفظی

آیه حفظی: یعقوب ۴: ۱۷

"پس هر که نیکویی کردن بداند و به عمل نیاورد، او را گناه است"

مقدمه:

گناه چیست؟ (اجازه دهید بچه ها جواب دهند. مطمئن شوید مثال هایی از گناهانی که بچه ها مرتکب می شوند، ارائه دهید. دروغ گفتن، سرپیچی از (..... ، والدین، تفکر درباره افکار ظالمانه بله، این چیزها گناه است. اما آیا می دانید که گناه می تواند چیزی باشد که شما نمی گوئید یا انجام نمی دهید؟

معرفی:

آیه را از کتاب مقدس تان بخوانید، بعد اجازه دهید که بچه ها آیه را همراه (شما از روی آیه نمایشی بخوانند

توضیح:

گ پس هر که نیکویی کردن بداند" - خدا در حال صحبت کردن با کسانی است که می دانند چه چیزی خوب یا درست است تا انجام دهند. چطور می دانید که چه چیزی خوب و درست است؟ ما قوانین و احکامی داریم که به ما کمک می کند تا بدانیم، و خدا در کلام اش به ما می گوید که چه چیزی درست است

و به عمل نیاورد او را گناه است" - وقتی که شما می دانید چه چیزی نیکو " و درست است اما آن را انجام نمی دهید، خدا ان را گناه می نامد. وقتی ما گناه می کنیم، از خدا سر پیچی می کنیم

کاربرد:

نجات یافتگان: اگر شما قبلاً به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان از گناه اعتماد کرده اید، شما می توانید وقتی که وسوسه می شوید تا سر پیچی کنید، قوت خدا را بطلبید. او می تواند به شما کمک کند تا آنچه را که درست و نیکوست، انجام دهید

نجات نیافتگان: خدا نمی تواند به شما کمک کند تا آنچه را که نیکو است، انجام دهید تا وقتی که به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده خود اعتماد کنید. وقتی که شما به او به عنوان نجات دهنده تان اعتماد می کنید، او گناهتان را می بخشد و به شما کمک می کند تا یک زندگی تغییر یافته را زیست کنید. با دقت به داستان کتاب مقدسی امروز گوش کنید تا بشنوید چگونه می توانید به عیسی ایمان آورید

تکرار: یک تکه کاغذ بردار

روی ۱۰ تکه کوچک کاغذ عبارت های کوتاهی بنویسید تا مشخص کند (چه کسی آیه را خواهد گفت- برای مثال، تمامی پسرها، همگی به جز معلم،

تمامی کسانی که کفش های بند دار پوشیده اند،... تکه های کاغذ را درون یک کیف کاغذی قرار دهید، بعد به بچه ها اجازه دهید تا به نوبت با بیرون (کشیدن یک تکه کاغذ ببینند چه کسی باید آیه را تکرار کند)

درس

مقدمه

اگر از شما خواسته شود تا کاری (چیدن علف، جارو کردن کف زمین، تمیز کردن اتاق تان، ...) انجام دهید، نیاز دارید که چقدر از آن کار را انجام دهید تا بگویید، "انجام دادم"؟ بله، شما نیاز دارید که تمام کار را انجام دهید. اگر شما تنها در یک قسمت اطاعت کنید، در حقیقت ناطاعتی کردید. از درس قبلی ما به یاد می آورید که اسرائیل تقاضا کرد که پادشاهی داشته باشد. خدا چیزی را که آنها می خواستند به آنها داد، هر چند که این بهترین نقشه خدا نبود.

آیا اسم پادشاه جدید آنها را به یاد می آورید؟ بله، شائول. سموئیل، نبی خدا از این که قوم خدا را ترک کردند، غمگین شد و به آنها درباره مشکلاتی که می توانستند با یک پادشاه زمینی روبرو شوند، هشدار داد. خیلی طول نکشید که شائول پادشاه با اولین آزمایش اطاعت از خدا به عنوان رهبر اسرائیل روبرو شد. آیا او آزمایش را با موفقیت پشت سر می گذاشت؟

پیشرفت وقایع

(تصویر اسرائیلی ها و شائول پادشاه، ۱۲- ۱۱ - دی را نصب کنید) روزی که پادشاه شائول می باید رسماً به عنوان حاکم اسرائیل تاجگذاری کند، فرا رسیده بود. مردم هیجان زده و مغرور بودند. اکنون آنها پادشاهی داشتند که فکر می کردند بهتر از پادشاه هر امت دیگری خواهد بود. امروز، روز شادی بود!

(تصویر سموئیل، ۱۳ - دی را نصب کنید) اما سموئیل شاد نبود. او اندوهگین بود زیرا قوم به راه خود می رفتند و اجازه نمی دادند خدا مسئول آنها باشد. برای آخرین بار سموئیل با قوم صحبت کرد، و به آنها درباره اشتباه احمقانه شان مبنی بر داشتن یک پادشاه هشدار داد. او تمام چیزهایی را که خدا برای آنها انجام داده بود، به ایشان یادآوری کرد. بعد او هشدار نهایی را داد. "اگر شما و پادشاه شما خداوند را خدمت کنید و "صدار او را بشنوید، برای شما خوب خواهد شد"

(تصویر سموئیل، ۱۳- دی را با ۱۴- دی تعویض کنید) بعد سموئیل زانو زد تا دعا کند و خدا یک رعد و برق پر صدا فرستاد - چیزی که در آن فصل سال غیر معمول بود. این نشانه خدا بود که حرف های سموئیل درست بود. قوم از ترس لرزیدند. نهایتاً آنها درک کردند که چقدر زیاد خدا را ناراحت کردند و برای بخشش ندا در دادند. سموئیل آنها را آرام کرد و دوباره به آنها اصرار کرد که در پرستش و خدمتشان به خدا کاملاً از او اطاعت کنند.

• تصویر سموئیل، ۱۴- دی را با تصویر ۱۳- دی تعویض کنید. تصویر اسرائیلی ها، ۱۱- دی، را با تصویر سربازان، ۱۵- دی تعویض کنید. تصویر (قربانگاه، ۱۶- دی، در سمت راست تصویر سموئیل نصب کنید. پیش از این که شائول پادشاه شود، او مردی فروتن بود. او می خواست کاری را که درست است انجام دهد. اما به زودی بعد از این که پادشاه شد، شائول شروع به تغییر یافتن نمود. او مغرور شد و انتخاب کرد که به جای اطاعت از خدا کارها را به روش خودش انجام دهد. یک بار شائول بدون این که صبر کند، یک قرزبانی نزد خداوند گذرانید که تنها سموئیل باید آن را می گذرانید. او برای ناطاعتی اش بهانه آورد، اما نتوانست خدا را فریب دهد. خدا از طریق سموئیل به شائول گفت، پادشاهی او از خانواده اش گرفته خواهد شد.

تصویر سربازان و قربانگاه، ۱۶- ۱۵- دی را بردارید. تصویر شائول، (۱۲- دی را با تصویر ۱۷- دی تعویض کنید

مدتی بعد سموئیل به ملاقات شائول پادشاه رفت تا به پادشاه بگوید که خدا به او چه گفته بود. سموئیل مواظب بود تا دقیقاً توضیح دهد که خدا می خواست شائول چه کاری انجام دهد. " برو عمالیقی ها، مردم، حیوانات، هر موجود زنده را کلاً نابود کن. هیچ چیز نباید باقی بماند." سموئیل به او آموزش داد. تقریباً روشن بود، آیا نبود؟ عمالیقی ها سال ها درباره خدای زنده و حقیقی اسرائیل شنیده بودند، اما از ایمان آوردن به او خودداری کردند. بی ایمانی گناه آلودشان باعث شد که کارهای شرورانه انجام دهند - آنها حتی سعی کردند که قوم خدا را نابود کنند. خدا از قوم اش مرداقتب کرد و وعده داد روزی عمالیقی ها را نابود کند. (خروج ۱۷: ۸- ۱۶) چون خدا پاک و مقدس است، او از گناه جدا است، او باید گناه را مجازات کند.

شما و من نیز با دل های گناه آلود به دنیا آمدیم که باعث می شود کارهای گناه آلود انجام دهیم. به این دلیل است که وقتی نمی توانید روش خودتان را داشته باشید، عصبانی می شوید و لب هایتان را به هم می فشارید، و از والدین و معلم تان سر پیچی می کنید. شما و من مستحق مجازات برای (گناهمان هستیم و این مجازات جدایی ابدی از خدا است) (رومیان ۶: ۲۳) اما خدا کسی که شما را آفرید، شما را دوست دارد! او پسر عالی اش، عیسی خداوند را فرستاد تا مجازات گناه شما و من را بردارد. عیسی مضروب شد و به صلیب کشیده شد، او خون اش را بر روی صلیب برای شما داد و مرد.

کتاب مقدس می گوید: " و خون پسر او عیسی مسیح ما را از هر گناه پاک (می سازد. " (اول یوحنا ۱: ۷)

او دفن شد، بعد، پس از سه روز از مردگان قیام کرد. وقتی که شما به عیسی خداوند ایمان می آورید، و به کاری که او برای شما انجام داد، اعتماد می کنید، او شما را از مجازات گناهتان نجات خواهد داد.

خدا پاک و مقدس است پس او باید گناه را مجازات کند. عمالیقی ها از ایمان آوردن به خدا خودداری کردند و خدا به آنها وعده مجازات داده بود. اکنون زمان مجازات خدا بود. سموئیل آنجا را ترک کرد، با این اطمینان که

(شائول دستور خدا را انجام خواهد داد.) تصاویر را بردارید
شائول پادشاه سپاه اش را جمع کرد و همانطور که خدا آموزش داده بود
به عمالیقی ها حمله کرد. نبرد یک موفقیت بزرگ بود. دشمن مغلوب شده
بود! شائول پادشاه و سربازان اش تمامی مردم به جز یک نفر را نابود
کردند. پادشاه عمالیقی ها، اجاج پادشاه زنده نگه داشته شده بود. شاید شائول
به خاطر غرور اش فکر می کرد اگر پادشاه دشمن را به عنوان زندانی
برگرداند، مورد احترام بیشتر مردم قرار خواهد گرفت. همچنین، شائول و
مردان اش تعدادی از بهترین حیوانات را زنده نگه داشتند، اما همه حیوانات
کم ارزش را نابود کردند.

شائول پیروزمندانه بازگشت! احتمالاً قوم اش برای پادشاه شجاع هورا
کشیدند، اما آیا او واقعاً از خدا اطاعت کرده بود؟ شائول از قسمتی از فرمان
اطاعت کرد، در حقیقت او نا اطاعتی کرده بود. آیا شائول می توانست تصمیم
بگیرد که کاملاً از خدا اطاعت کند؟

اجازه دهید پاسخ داده شود. بله، و اگر تنها از خدا سوال می کرد، خدا به (او
کمک کی کرد تا قوی باشد! اما شائول بیشتر علاقه مند بود که به روش
خودش عمل کند.

اگر شما عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خود می شناسید، وقتی
که وسوسه می شوید تا سرپیچی کنید نیاز دارید که قوت خدا را بطلبید.
مواردی وجود دارد که شما و من وسوسه می شویم تا تنها قسمتی را از
آنچه خدا می گوید انجام دهیم. برای مثال خدا در کتاب مقدس می گوید،
ما باید حقیقت را بگوییم. آیا هرگز تنها قسمتی از حقیقت را گفته اید؟ شاید
شما به والدین تان گفته اید که تکالیف تان را در مدرسه انجام داده اید، در
حالی که تنها قسمتی از آن را انجام داده اید.

خدا می گوید که شما باید از والدین تان اطاعت کنید. وقتی که پدر یا
مادرتان به شما می گویند که کاری را انجام دهید، آیا قسمتی از آن را انجام
می دهید؟ شاید شما بگویید که اتاق تان را تمیز کردید، اما تنها همه چیز
را به درون کمد پرت کردید یا به زیر تخت تان هل دادید. خدا می گوید که
دشمنان خود را محبت کنید. آیا تنها به کسانی که کارهای نیکو برای شما
انجام می دهند، محبت می کنید؟ وقتی که خدا دستوری می دهد، او توقع
دارد که فرزندان اش از آن اطاعت کنند.

آیه حفظی ما می گوید، " پس هر که نیکویی کردن بداند و به عمل نیاورد،
(او را گناه است.) (یعقوب ۴: ۱۷)

وقتی که می دانید خدا چه چیزی از شما می خواهد که انجام دهید، ولی
سرپیچی می کنید، گناه است. آسان نیست که همیشه کاملاً اطاعت کنید.
شما نیاز دارید که قوت خدا را بطلبید، تا به شما کمک کند.

ای کاش شائول از خدا تقاضای قوت برای اطاعت کردن، می نمود! اما او
این کار را نکرد. شائول می دانست که خدا چه چیزی از او می خواهد که
انجام دهد، اما او عمداً با زنده نگه داشتن اجاج پادشاه و تعدادی از حیوانات
سرپیچی کرد.

(تصویر سموئیل و تخت، ۱۹-۱۸- دی را نصب کنید)
سموئیل نمی توانست آن شب بخوابد. خدا به او گفته بود که شائول دوباره سرپیچی کرده بود. خدا به خاطر سرپیچی شائول غمگین شد. او در دل اش محزون گشت. سموئیل نیز غمگین بود. او می دانست که آموزش های بسیار دقیقی به شائول داده بود. چطور شائول می توانست سرپیچی کند؟ سموئیل در تمامی طول شب برای شائول گریست و دعا کرد

تصاویر را بردارید. تصویر سموئیل و شائول، ۱۳-۱۲- دی، و ستون (یادگاری، ۲۰- دی را نصب کنید.) صبح زود روز بعد سموئیل به جستجوی شائول پرداخت. او فهمید که شائول یک یادگاری (شاید ستون یا مجسمه ای) برای خود اش ساخت. این یادگاری به افتخار پیروزی او بر عمالیقی ها ساخته شده بود. منظره این یادگاری می باید عصبانیت درون سموئیل را تحریک کرده بود. آیا شائول برای نا اطاعتی اش از خدا اهمیتی قائل بود؟ پادشاه اسرائیل پر از غرور شده بود. وقتی که شائول از روبه رو با سموئیل ملاقات کرد، او می باید پیروز مندانه لبخند زده بود و به او درود می گفت. " برکت خداوند بر تو باد. " شائول گفت. " من فرمان خداوند را به جا آوردم. " قلب سموئیل می باید از این دروغ شائول شکسته بود. " پس اسن صدای گوسفندان در گوش من و بانگ گاوان که من می شنوم چیست؟ " او پرسید. شائول فوراً! جواب داد، " این ها را از عمالقه آورده اند زیرا قوم بهترین گوسفندان و گاوان را دریغ داشتند تا برای یهوه خدایت قربانی نمایند، و بقیه را بالکل هلاک ساختیم

تامل نما" سموئیل فریاد زد. " تامل نما تا آنچه خداوند دیشب به من گفت " ، به تو بگویم

سموئیل پاسخ داد. " خداوند زمانی که فکر می کردی خیلی مهم نیستی تو را به عنوان پادشاه اسرائیل انتخاب کرد. " افکار سموئیل می باید یقیناً به سوی یادگاری که شائول برای خود ساخته بود، کشیده شده بود. " خداوند تو را به راهی فرستاده ، گفت: این عمالقه گناهکار را بالکل هلاک ساز، پس چرا قول خداوند را نشنیدی؟

شائول که دل اش پر از غرور بود حتی از اعتراف به این که نا اطاعتی کرده بود، خودداری کرد. " اما من اطاعت کردم. " او با لجاجت پافشاری کرد. " به راهی که خداوند مرا فرستاد، رفتم و اجاج، پادشاه عمالقه را آوردم و عمالقه را بالکل هلاک ساختم، اما قوم از غنیمت، گوسفندان و گاوان ، یعنی بهترین آنچه حرام شده بود، گرفتند تا برای یهوه خدایت در جلجال قربانی گذرانند. " اکنون شائول متکبرانانه اعلام می کرد که پادشاه را به عنوان نشانه پیروزی زنده نگه داشت. آیا شائول نفهمید که خدا باعث پیروزی بود؟ جایی برای تکبر وجود نداشت. سموئیل یک بار دیگر سعی کرد تا جدیت گناه شائول را به او نشان دهد. " آیا خداوند به قربانی های سوختنی و ذبایح خشنود است یا به اطاعت فرمان خداوند؟ اینک اطاعت از قربانی ها و گوش گرفتن از پیه قوچ ها نیکو تر است. " سموئیل می خواست به شائول بفهماند که اطاعت از قسمتی از فرمان، سر پیچی است. شائول می باید از خدا طلب قوت می کرد تا بتواند کاملاً اطاعت کند

اگر شما عیسی را به عنوان نجات دهنده خود می شناسید، وقتی که وسوسه می شوید تا نا اطاعتی کنید از خدا طلب قوت اش را نمایید. آیه حفی ما را به یاد آورید، " پس هر که نیکویی کردن بداند و به عمل نیاورد، او را (گناه است. " (یعقوب ۴: ۱۷)

اگر شما می خواهید شخصی پیرو اراده خدا باشید، او انتظار دارد که از او کاملاً اطاعت کنید. تا وقتی که از او اطاعت می کنید او علاقه ای به پرستش شما ندارد. شاید احساس می کنید که دوست ندارید همیشه چیزی را که خدا می گوید انجام دهید. وقتی که این اتفاق می افتد از خدا بخواهید تا به شما قوت و " خواست و اراده " اطاعت کردن از او را بدهد. در واقع، شما نمی توانید با اطاعت تان خدا را خشنود کنید، مگر این که او شما را قادر سازد. در کتاب مقدس خدا می گوید، زیرا که جدا از من هیچ نمی توانید کرد

(یوحنا ۱۵: ۵)

مواظب باشید تا به احکام خدا گوش دهید، بعد به قوت او تکیه کنید تا به شما کمک کند از او اطاعت کنید. بعد از این که اطاعت کردید، فراموش نکنید که از او به خاطر این که به شما کمک کرد، تشکر کنید. شائول پادشاه می باید از خدا طلب قوت برای اطاعت کامل از او می کرد، اما در عوض او عمداً از خدا سرپیچی کرد

نقطه اوج داستان

سموئیل با اندوه عمیق به شائول گفت، " چونکه کلام خداوند را ترک نموده ای، خداوند نیز تو را از پادشاه بودن بر سراسر اسرائیل رد نموده است "

نتیجه

شائول از شنیدن این که خدا او را از پادشاه بودن رد کرده بود، غمگین بود، اما او واقعاً درباره گناه اش متأسف نبود. او تز سموئیل خواست تا او را بیخشد و با او برگردد و در مقابل قوم به پرستش خدا بپردازد. سموئیل می دانست که شائول واقعاً متأسف نبود. شائول تنها نگران بود که قوم درباره او چگونه فکر خواهند کرد.

سموئیل نپذیرفت، و وقتی که برگشت تا برود، شائول به لباس اش چنگ انداخت. وقتی که لباس سموئیل پاره شد، صدای ریپ بلندی شنیده شد. سموئیل رو به شائول کرد و گفت

امروز خداوند سلطنت اسرائیل را از تو پاره کرده، آن را به همسایه ات " که از تو بهتر است، داده است

شائول به سموئیل التماس کرد تا با او در مقابل قوم به پرستش خدا بپردازد. سموئیل با بی میلی همراه شائول رفت، هر چند که می دانست دل شائول صادق نبود

(تصاویر را بردارید)

سموئیل که خدا به سائل دستور داده بود، تمام کرد و اجاج پادشاه شیرین را کشت. بعد نبی به خانه اش در رامه بازگشت. سموئیل به گریستن و دعا کردن برای این پادشاه مغرور که از طلبیدن قدرت خدا برای اطاعت کردن خودداری کرده بود، ادامه داد.

تقلا

اگر شما عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده تان می شناسید، آیا تصمیم خواهید گرفت وقتی که وسوسه می شوید تا نا اطاعتی کنید، قوت خدا را بطلبید؟ به دنبال اراده خدا بودن یعنی از خدا کاملاً اطاعت کردن. این هفته وقتی که وسوسه می شوید تا چیزی را نیمه کاره انجام دهید که خدا از شما می خواهد تا انجام دهید، آیه حفظی ما را به یاد آورید، " پی هرکه نیکویی (کردن بداند و به عمل نیاورد، او را گناه است" (یعقوب ۴: ۱۷) با نا اطاعتی عندی از خدا گناه نکنید. تامل کنید و از خدا بخواهید تا قوت و " خواست و اراده " اطاعت کامل از خدا را به شما بدهد. بعد مادامی که اطاعت می کنید به قوت او تکیه کنید و به یاد آورید که به خاطر کمک اش تشکر کنید. امروز وقتی که می روید یکی از برگه های کوچک را بردارید، روی آن برگه ها تصویر یک چراغ ترافیک را می بینید. روی چراغ بالا نوشته شده " توقف کنید"، روی چراغ وسط نوشته شده " بطلبید" و روی چراغ پایینی نوشته " اطاعت کنید".

دعوت

اولین قدم در اطاعت کردن از خدا این است که به عیسی خداوند اعتماد کنید تا نجات دهنده شما از گناه باشد. به یاد بیاورید، شما و من مستحق هستیم که به خاطر گناه مان مجازات شویم، اما چون عیسی خداوند مجازات ما را برداشت، ما می توانیم بخشیده شویم. کتاب مقدس می گوید، " هر که کلام مرا بشنود و به فرستنده من ایمان (آورد، حیات جاودانی دارد. " (یوحنا ۵: ۲۴) اگر به آنچه کلام خدا دربار هگناه شما می گوید و این که چطور عیسی برای شما مرد و دوباره زنده شد ایمان بیاورید، شما می توانید زندگی جاودانی او را امروز دریافت کنید. لطفاً سرتان را خم کنید و چشم هایتان را ببندید. اگر هرگز به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان نیاورده اید و مایلید که این کار را انجام دهید، لطفاً با بلند کردن دستتان به من نشان دهید. (مکث کنید و متوجه پاسخ ها شوید.) اگر دستتان را بلند کردید تا به من نشان دهید که می خواهید به عیسی خداوند ایمان بیاورید، لطفاً مرا (دریک مکان و زمان مشخص) ملاقات کنید تا بتوانم از روی کلام خدا به شما نشان دهم که چگونه می توانید زندگی جاودانی عیسی را دریافت کنید.

سوالات مروری

۱- یکی از اولین چیزهایی که شائول پادشاه انجام داد که دل متکبر او را نشان داد، چیست؟ او یک قربانی گذراند که تنها سموئیل می باید آن قربانی را می گذرانید.

۲- سموئیل به شائول پادشاه گفت که مجازات خدا برای نا اطاعتی شائول چه خواهد بود؟
پادشاهی از خانواده او گرفته خواهد شد.

۳- وقتی که شائول پادشاه به عمالیقی ها حمله کرد چطور تنها از قسمتی از دستور خدا اطاعت کرد؟
او آنها را همانطور که خدا دستور داده بود، نابود نکرد، او پادشاه و تعدادی از حیوانات را زنده نگه داشت.

۴- چرا تنها اطاعت کردن از قسمتی از دستور خدا اشتباه است؟
اگر ما از قسمتی از دستور خدا اطاعت کنیم، در حقیقت ما نا اطاعتی می کنیم. خدا از ما توقع اطاعت کامل دارد.

۵- چطور بعضی وقت ها پسران و دختران مسیحی تنها از قسمتی از دستور خدا اطاعت می کنند؟
با گفتن قسمتی از حقیقت، با انجام دادن تنها قسمتی از آنچه والدین یا معلمان از آنها خواسته اند، با اطاعت کردن از قسمتی از کلام خدا که از آنها می خواهد اطاعت کنند.

۶- وقتی که سموئیل، شائول پادشاه را با گناه اش رو به رو ساخت، شائول چگونه پاسخ داد؟
او ادعا کرد که اطاعت کرده بود. او قوم را برای نا اطاعتی از خدا مقصر کرد.

۷- سموئیل به شائول گفت که پاسخ خدا به نا اطاعتی او چیست؟
خدا او را از پادشاه بودن رد کرد.

۸- چرا سموئیل نخواست که با شائول برود تا خدا را در مقابل قوم پرستش کنند؟
سموئیل می دانست که شائول تنها خواستار احترام در مقابل مردم بود.

۹- وقتی که وسوسه می شوید تا از خدا نا اطاعتی کنید، چه می توانید انجام دهید؟
یعقوب ۴: ۱۷ را به یاد آورید، توقف کنید و قوت خدا را بطلبید، بعد اطاعت کنید.

۱۰- چطور می‌توانید از مجازات گناهتان نجات یابید؟
با ایمان آوردن به این‌که عیسی برای شما مرد و دوباره زنده شد و دریافت
زندگی جاودانی او.

چشم انداز درس

متن کتاب مقدس

اول سموئیل ۱۶: ۱-۱۳

آیه حفظی،
زیرا که انسان به ظاهر می نگرد و خداوند به دل
می نگرد.

اول سموئیل ۱۶: ۷ " ... خداوند مثل انسان نمی نگرد

هدف تعلیم

تفتیش کند و وقتی که خدا طرز تفکرات اشتباه اش
را آشکار می سازد آنها را اعتراف می کند

بچه نجات یافته از خدا می خواهد که قلب اش را

تعلیم اصلی

استفاده می کند

اگر دل شما در رابطه درستی با خداست، او از شما

تاکید برای نجات نیافتگان

بخوان

عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خود از گناه

کمک های تصویری

۳۱ - ۲۱ - دی

خطوط کلی درس

۱- مقدمه

پادشاهی تو ادامه نخواهد داشت! خداوند در طلب مردی است تا او را پادشاه سازد، مردی که پیرو اراده او " باشد. " مردی که پیرو اراده خداست، چگونه شخصی است؟
! آیا شما این چنین هستید؟ سموئیل به زودی می فهمید که خدا دقیقاً چه شخصی را در نظر داشت

۲- پیشرفت وقایع

الف- خدا به سموئیل دستور داد که به بیت لحم برود و یکی از پسران یسا را مسح کند تا او پادشاه جدید اسرائیل (بشود.) (۱۶: ۱-۳)
(ب- سموئیل قربانی را آماده کرد و خانواده یسا را دعوت کرد.) (۱۶: ۴-۵)
پ- وقتی که سموئیل به الیاب، بزرگ ترین پسر یسا نگاه کرد، سموئیل فکر کرد که او یقیناً پادشاه برگزیده خدا (خواهد بود.) (۱۶: ۶)

دا به سموئیل گفت که او به دل نگاه می کند، نه به ظواهر بیرونی. (۱۶: ۷)

(ث- هفت نفر از پسران یسا از مقابل سموئیل گذشتند، اما خدا هیچ کدام آنها را انتخاب نکرد. (۱۶: ۸- ۱۰
ج- سموئیل به دنبال جوان ترین پسر یسا فرستاد. (۱۶: ۱۱

 که داوود به نزد او آورده شد، خدا به سموئیل دستور داد تا او را ره عنوان پادشاه برگزیده
(مسح کند). (۱۶: ۱۲

۳- نقطه اوج داستان

داوود به عنوان پادشاه بعنی اسرائیل مسح شد، زیرا دل او در رابطه درستی با خدا بود
(۱۶: ۱۳)

 بچه نجات یافته

(اگر دل شما در رابطه درستی با خداست، خدا شما را به کار خواهد گرفت. (امثال ۴: ۲۳

 و دعوت (بچه نجات نیافته

خداوند را به عنوان نجات دهنده خود از گناه بخوان. (رومیان ۱۰: ۱۳



تعلیم آیه حفظی

آیه حفظی: اول سموئیل ۱۶: ۷
خداوند مثل انسان نمی نگردد، زیرا که انسان به ظاهر می نگردد و خداوند...
"به دل می نگردد"

مقدمه:

آیا آرزو می کنید از پشت دیوار می توانستید طرف دیگر دیوار را ببینید؟
(به جواب ها گوش دهید .) بعضی از شخصیت های تلویزیونی وانمود می کنند که آن طرف دیوار را می بینند، اما حقیقتاً نمی توانند. اما، شخص قدرتمندی وجود دارد که نه تنها طرف دیگر دیوار را می بیند، بلکه می تواند! درون ذهن شما را نیز ببیند. او کیست؟ خدا

معرفی:

آیه را از روی کتاب مقدس تان بخوانید – یا اجازه دهید بچه بزرگ تری (این کار را انجام دهد. آنوقت اجازه دهید که بچه ها آیه را از روی آیه نمایشی (. همراه شما بخوانند

توضیح:

خداوند مثل انسان نمی نگردد، زیرا که انسان به ظاهر می نگردد"- انسان...
به معنی تمام افراد است. ما به بیرون دیگران نگاه می کنیم – این تمام چیزی است که ما می توانیم ببینیم. خدا آن طور که ما به دیگران نگاه می کنیم، نگاه نمی کند. شخص ممکن است در ظاهر متفاوت از آنچه در درون است به نظر برسد. و ظاهر به اندازه درون انسان مهم نیست
و خداوند به دل می نگردد"- خدا درون دلتان ، وجود واقعی شما را می بیند- و می داند که شما واقعاً چگونه هستید. وجود واقعی شما به ذهن شما می گوید که چه فکر کند. وجود واقعی شما غمگین یا شاد می شود، دیگران را دوست دارد یا از آنها متنفر است. وجود واقعی شما است که وقتی بدن شما می میرد، برای همیشه زندگی می کند. هیچ کس به جز خداوند نمی تواند وجود واقعی شما را ببیند، خدا وجود واقعی شما را دل می نامد

کاربرد:

نجات یافتگان: وقتی که خدا به شما نگاه می کند، چه می بیند؟ اگر عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خود می شناسید، او می بیند که شما فرزند او هستید. آیا او نیز می بیند که شما دلی با طرز تفکرات درست دارید؟ اگر دل شما در رابطه درستی با خدا باشد، خدا از شما استفاده خواهد کرد
نجات نیافتگان: اگر عیسی را به عنوان نجات دهنده خود می شناسید، او می بیند که شما فرزند او هستید. آیا او نیز می بیند که شما دلی با طرز تفکرات درست دارید؟ اگر دل شما در رابطه درستی با خدا باشد، خدا از شما استفاده خواهد کرد

تکرار: از رهبر پیروی کنید.
بچه ها مادامی که از حرکت هابی که معلم انجام می دهد، پیروی می کنند آیه ... را تکرار می کنند. برای مثال: روی یک پا به بالا بپرید، قدم بزنید و

درس

مقدمه

پادشاهی تو ادامه نخواهد داشت! خداوند در طلب مردی است تا او را " پادشاه سازد، مردی که پیرو اراده او باشد. " سموئیل این حرف ها را از طرف خدا به شائول پادشاه زد. فکر می کنید منظور خدا چه بود؟ فردی پیرو اراده خدا چه شخصی خواهد بود؟ آیا شما چنین فردی هستید؟ سموئیل به ازودی می فهمید که خدا چه شخصی را در نظر داشت

پیشرفت وقایع

(تصویر سموئیل، ۲۱- دی را نصب کنید)

وقتی که خورشید صبح بر فراز شهر رامة قرار گرفت، سموئیل برای شروع روزاش خود را آماده ساخت. او احتمالاً چشمان خسته اش را مالید زیرا او یک بار دیگر بیشتر شب را بیدار بود. او نمی توانست به شادول پادشاه فکر نکند. غم انگیز بود که اسرائیلی ها یک پادشاه زمینخواستند، اما سموئیل امیدوار بود که شائول کار اش را به خوبی انجام دهد. قلب سموئیل به خاطر رفتار شائول شکسته بود. رفتار شائول باعث مجازات خدا مبنی بر گرفتن پادشاهی از خانواده شائول شد. شب ها یکی پس از دیگری سموئیل بیدار بود و برای دوست اش شائول می گریست و دعا می کرد

اما اوضاع برای سموئیل در حال تغییر کردن بود. خدا پیغامی برای او فرستاد. خدا به سموئیل گفت: " تا به کی تو برای شائول ماتم می گیری چون که من او را از سلطنت نمودن بر اسرائیل رد نمودم. پس حقه خود را از روغن پر کرده، بیا تا تو را نزد یسای بیت لحمی بفرستم، زیرا که از پسران اش پادشاهی برای خود تعیین نموده ام. " خدا اندوه سموئیل را فهمید زیرا او نیز برای شائول بسیار غمگین بود

اما حالا زمان آن بود که نقشه خدا برای اسرائیل به پیش برود. خدا می خواست که سموئیل به بیت لحم برود و با روغن پادشاه جدید، برگزیده خدا را مسح کند. اما سموئیل با شنیدن دستورات خدا ترسیده بود. " چگونه بروم؟ " او پرسید. " اگر شائول بشنود مرا خواهد کشت

از وقتی که شائول از خدا سر پیچی کرده بود، در او تغییری صورت گرفته بود. او عصبانی بود و ممکن بود به هر کسی که تخت پادشاهی اش را به خاطر بیاندازد، حمله کند

خدا به سموئیل گفت: " گوساله ای همراه خودببر و بگو که به جهت گذرانیدن قربانی برای خداوند آمده ایم. و یسار را به قربانی دعوت نما و من تو را اعلام می نمایم که چه باید بکنی، و کسی را که به تو امر نمایم برای من مسح نما. " سموئیل از خداوند اطاعت کرد. او شاخ یک قوچ را پر از روغن کرد،

بعد بع سوی بیت لحم سفر کرد. وقتی که بزرگان بیت لحم دیدند که او وارد شهر می شود، نگران شدند. آنها می دانستند که سموئیل نبی خدا بود و فکر کردند شاید او آمده است تا داوری خدا بر ایشان را اعلام کند. وقتی که ایشان شنیدند سموئیل برای پرستش خداوند و تقدیم یک قربانی حیوانی آمده است، بسیار آسوده گشتند.

(تصویر قربانگاه، یسا و هفت پسر اش، ۲۶ - ۲۲ - دی را نصب کنید) سموئیل یسا و پسران اش را به مراسم قربانی و غذایی که در ادامه آن آماده می شد، دعوت کرد. شاید او دلیل فرستاده شدن اش توسط خدا به آنجا را با یسا در میان گذاشت که خدا می خواست یکی از پسران یسا به عنوان پادشاه جدید اسرائیل مسح شود. کتاب مقدس به ما نمی گوید. اما اگر یسا می دانست که چرا سموئیل آنجا بود، یقیناً او مفتخرتر بود که یکی از پسران اش توسط خدا چنان افتخاری برگزیده شده بود.

وقتی که هفت پسر بزرگ یسا به نزد سموئیل آمدند، او فوراً متوجه الیاب شد. او بزرگ ترین پسر یسا و شاید بلند قدترین و خوش تیپ ترین آنها بود. یقیناً این برگزیده خداست! سموئیل فکر کرد. الیاب مثل شائول مانند یک پادشاه به نظر می رسید. اما خداوند به سموئیل هشدار داد. " به چهره اش و بلندی قامت اش نظر منما زیرا او را رد کرده ام

بعد خداوند کلماتی را گفت که آیه حفظی ما است. "... چون که خداوند مثل انسان نمی نگرد، زیرا که انسان به ظاهر می نگرد و خداوند به دل می نگرد." (اول سموئیل ۱۶ : ۷)

خدا به سموئیل می اموخت ظواهر بیرونی شخص مهم ترین چیز نیست. شخص نباید بر پایه ظواهر جسمانی قضاوت شود. چیزی که واقعاً مهم است. طرز تفکر دل او نسبت به خدا است.

خدا تنها کسی است که است که از دل شما (وجود واقعی شما - احساسات درونی و عمیق ترین تفکرات شما) آگاه است. شاید شما بتوانید آیات زیادی از کتاب مقدس درباره دوست داشتن دیگران شاید در کلاس کتاب مقدس سرودهایی درباره دوست داشتن عیسی می خوانید، اما در طول هفته شما به ندرت به او فکر می کنید. شاید قادر باشید که برای مدتی والدین یا معلم تان را فریب دهید، اما وقتی که خدا به درون دل تان نگاه می کند، او چه می بیند؟ آیا او قلبی که نسبت به او نا مطیع و یاغی است می بیند؟ یا او واقعاً دلی می بیند که تغییر کرده است؟ کسی که می خواهد خدا را بیشتر از هر چیز دیگری خشنود کند و او را خدمت نماید؟ وقتی که خدا کسی را برای یک وظیفه مشخص انتخاب می کند، او به طرز تفکر دل شخص نگاه می کند تا ببیند آیا شخص او را دوست دارد و مطیع او است. کتاب مقدس می گوید، " خداوند خدای خود را به همه دل و تمامی (نفس و تمامی فکر محبت نما. " (متی ۲۲ : ۳۷)

آیا خدا را به این شکل دوست دارید؟ اگر عیسی نجات دهنده شما است، خدا شما را به کار خواهد گرفت اگر دل شما در رابطه درستی با او است.

یک طرز تفکر قلبی درست نسبت به خدا چیزی است که واقعاً مهم است. سموئیل می آموخت که خدا به آن چه در درون شخص است نگاه می کند نه به ظواهر بیرونی. اکنون او برای دریافت هدایت خدا در انتخاب یک پادشاه جدید مواظب می بود.

پسر دوم یسا در مقابل سموئیل قرار گرفت. "نه، این یکی." سموئیل گفت. او به سومین، چهارمین و پنجمین پسر نگاه کرد، اما هر بار خدا گفت نه. نهایتاً ششمین و هفتمین پسر از مقابل سموئیل گذشتند، اما خدا به همه آنها نه گفت. تمامی پسران یسا مردان سالمی بودند، اما سموئیل به یسا گفت: "خدا هیچ یک از ایشان را برگزیده است."

شاید تا اینجا سموئیل گیج و مبهوت شده بود. خدا گفته بود که یکی از پسران یسا را انتخاب کرده بود. "آیا این ها تمامی فرزندان تو هستند؟ سموئیل از یسا پرسید.

یک پسر دیگر نیز وجود دارد"، یسا پاسخ داد. "او جوان ترین است." در آن روزها جوان ترین فرزند کم اهمیت ترین فرزند در خانواده بود. یقیناً خدا او را انتخاب نمی کند، شاید یسا با خود اندیشیده بود. "او گوسفندان را می چراند"، یسا به سموئیل گفت. "بفرست و او را بیاور"، سموئیل گفت. "تا وقتی که او نیاید ما برای غذا خوردن نمی نشینیم." (تصویر داوود و گوسفندان، ب و ۲۸۱ - ۲۷ - دی را روی یک تخته کوچک نصب کنید) فوراً خدمتکاری فرستاده شد تا جوان ترین پسر را که نام اش داوود بود، بیاورد. خدمتکار داوود را در صحرا با گوسفندان یافت. داوود مرد جوانی بود که سخت کار می کرد. او روزهایش را در فضای آزاد می گذراند. او قوی بود و همیشه آماده بود تا گوسفندان را از خطر نجات دهد. او احتمالاً به تمرین با تیر و کمان و فلاخن، تنها سلاح اش بر علیه حمله حیوانات می پرداخت. اوقاتی که گوسفندان استراحت می کردند یا در آرامش می چریدند، داوود با نواختن چنگ خود و ساختن سرودهایی در ستایش خداوند استراحت می کرد.

تصویر داوود، ۲۷ - دی را با تصویر ۲۹ - دی تعویض کنید. تصویر (چنگ، ۳۰ - دی را نصب کنید)

وقتی که خدمتکار به سرعت به صحرا آمد و او را صدا زد، او می بایست بسیار متعجب شده بود. "داوود، پدرت می خواهد فوراً به نزد اش بروی. مرد خدا سموئیل تورا می جوید. آنها منتظر تو هستند تا به آنها در جشن بپیوندد."

داوود با عجله به سوی خانه پدرش رفت و به احتمال زیاد از خود می پرسید که چرا بودن او در آنجا بسیار مهم بود. او احتمالاً وقت نداشت که لباس اش را عوض کند.

(تصویر داوود، ۲۷ - دی را روی یک تخته بزرگ قرار دهید) شاید سموئیل از دیدن این که داوود بسیار جوان بود، و تعجب شده بود. داوود سرخ رو و نیکو چشم و خوش منظر بود. اما تا حالا سموئیل می دانست که بهتر است این مرد جوان را بر اساس ظواهر اش داوری نکند. داوود در درون چگونه بود؟ سموئیل جواب این سوال را آموخت. خداوند گفت: "برخاسته او را مسح کن زیرا که همین است!" فکر می کنید چرا خدا داوود

را انتخاب کرد؟ خدا در دل داوود چه چیزی را دید؟ (دربارہ احتمالات بحث کنید.) طرز تفکر قلبی (دل) داوود خدا را خشنود ساخت

اگر عیسی نجات دهنده شماست، به یاد آورید اگر دل شما با خدا در رابطه درستی است او از شما استفاده خواهد کرد. وقتی که شما فرزند خدا هستید، شما می باید در درون متفاوت باشید. هر هفته ما درباره این که شخصی به دنبال اراده خداییم، صحبت کرده ایم. تا حالا آموخته ایم که این بدین معناست که جای اول در زندگی تان را به خدا بدهید و از او کاملاً اطاعت کنید. ما در هفته های آینده بیشتر خواهیم آموخت. اما به یاد بیاورید برای این که شخصی به دنبال اراده خدا باشید، نیاز دارید که قلبی داشته باشید که در رابطه درستی با خدا است. شما باید بخواهید که خدا را بیش از هر چیز دیگری خشنود کنید. اما وقتی که گناه می کنید، شاید با نا اطاعتی، طرز تفکر قلبی شما در رابطه درستی با خدا نیست. وقتی که کار اشتباهی انجام می دهید، به خدا بگویید که واقعاً از این که بر علیه او گناه کرده اید، (متاسف هستید.) (اول یوحنا ۱ : ۹

از اشتباهاتتان یاد بگیرید تا دفعه بعد بهتر عمل کنید. آیا دلی قابل یاد گیری داری؟ به چیزهایی که دیگران باید بگویند گوش بده و یاد بگیر. مخصوصاً وقتی که خدا از طریق کلام اش با شما صحبت می کند، گوش بده و آنچه را (که او می گوید، انجام بده.) (آیه حفظی سموئیل ۱۶ : ۷ را تکرار کنید وقتی که با انجام کامل اراده خدا از او اطاعت می کنید، دل شما در رابطه درستی با خداست. آن وقت او می تواند از شما برای انجام دادن یک وظیفه مخصوص استفاده کند

خدمت حقیقی و خدمتی که خدا را جلال می دهد باید از درون انسان شروع شود. شما نیاز دارید که دلتان را نگرهبانی کنید زیرا اعمال شما از چیزی که می گوئید یا انجام می دهید از دلتان ناشی می شود (امثال ۴ ک ۲۳) به یاد آورید اگر طرز تفکر دل تان در رابطه درستی با خدا باشد او شما را به کار می گیرد

تصویر داوود، ۲۷ - دی را با ۲۹ - دی تعویض کنید. تصویر شاخ، ۳۱ (. - دی در دست سموئیل را نصب کنید

طرز تفکر دل داوود خدا را خشنود می ساخت، و خدا قصد داشت از او برای رهبری قوم اش استفاده کند. سموئیل شاخ قوچی را برداشت و پر از روغن نمود بعد آن را بر سر داوود ریخت

نقطه اوج داستان

داوود به عنوان پادشاه بعدی اسرائیل مسح شد زیرا دل اش در رابطه درستی با خدا بود

نتیجه

شاید وقتی که سموئیل داوود را مسح می کرد، به زمزمه به داوود گفت: "

تو باید پادشاه شوی!" یا شاید خدا در دل داوود به او گفت. کتاب مقدس به ما نمی گوید که چطور داوود می دانست، اما او به نحوی معنای مخصوص این مسح را می دانست. اما به نظر می رسد هیچ شخص دیگری نمی دانست. هنوز وقت خدا نرسیده بود.

وقتی که سموئیل پس از کامل کردن کاری که خدا او را برای انجام دادن آن فرستاد، به خانه اش در رامه بر می گشت، داوود فروتنانه به صحرا بازگشت تا به مراقبت از گوسفندان پدر اش بپردازد. دل او در رابطه درستی با خدا بود، و وقتی که زمان مناسب فرا می رسید، خدا از او به نحو مخصوصی استفاده می کرد.

(تساویر را بردارید)

تقلا

اگر عیسی نجات دهنده شما است، به یاد آورید، اگر دل شما در رابطه درستی با او است، او شما را به کار خواهد گرفت. به عنوان یک مسیحی، مواظب طرز تفکر دل تان باشید زیرا آنچه در درون است، نهایتاً در اعمال شما ظاهر می شود.

یک طرز تفکر درست اعمال درستی تولید می کند، اما یک طرز تفکر اشتباه اعمال اشتباه به همراه می آورد. آیا در این هفته از خدا خواهید خواست که دل تان را بررسی کند و اگر چیزی او را ناخشنود می سازد به شما نشان دهد؟ آیا نسبت به کسی عصبانی هستید؟ آیا حسادت می ورزید؟ آیا به خدا توکل می کنید یا همیشه نگران هستید؟ اگر چیز اشتباهی وجود داشته باشد، خدا به شما نشان خواهد داد. گناه تان را به او اعتراف کنید تا طرز تفکر دلتان درست شود. آنوقت شما شخصی به دنبال اراده خدا خواهید بود و خدا قادر خواهد بود از شما استفاده کند تا کارهای عظیمی برای او انجام دهید.

من برگه ای دارم که شما می توانید آن را به منزل ببرید، تا به شما یادآوری کند که امروز چه چیزی آموختید. روی برگه تصویر یک قلب به همراه امثال ۴: ۲۳ است. برگه را در کتاب مقدس در اول قرنیتان ۱۳ قرار دهید. به شما نشان می دهد که کجا این فصل ۱۰ اول قرنیتان (۱۳) را پیدا کنید. این هفته، این آیه ها را هر روز بخوانید، و از خدا بخواهید تا به شما نشان دهد که در کجا نیاز دارید که طرز تفکر دل تان را بهبود ببخشید.

انجیل و دعوت

شاید وقتی که شما درباره طرز تفکر دلتان نسبت به خدا فکر می کنید، شما می دانید که گناهتان همچنان شما را از او جدا میسازد. شما هرگز عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده تان قبول نکرده اید. وقتی که خدا به دلتان نگاه می کند، او گناه شما را می بیند. شما شریعت خدا را شکسته اید.

کتاب مقدس می گوید که گناه شما، شما را از خدا که مقدس است، جدا می سازد. (اشعیا ۵۹: ۲) و مجازات گناه مرگ، جدایی از خدا برای همیشه است. (رومیان ۶: ۲۳)

خدا شما را دوست دارد، و او پسر عالی اش، عیسی خداوند را فرستاد تا مجازات گناه شما را بردارد تا این که شما بتوانید بخشیده شوید. وقتی که عیسی رنج کشید و مرد، او مجازات را برداشت. وقتی که او خون اش را بر روی صلیب می داد، او پرداخت کامل گناه شما را فراهم می کرد. (عبرانیان ۹: ۲۲) او در یک قبر دفن شد، اما بعد از سه روز او از مردگان برخاست.

امروز عیسی خداوند در بهشت زنده است. آیا مایل نیستید که او را به عنوان نجات دهنده تان قبول کنید؟ کتاب مقدس می گوید، " زیرا هر که نام (خداوند را بخواند نجات خواهد یافت. " (رومیان ۱۰: ۱۳

آیه بدین معناست که اگر شما از گناهتان توبه کنید، و با تمامی دلتان اعتماد کنید که عیسی خداوند مجازات گناه شما را برداشته است، شما می توانید از مجازات گناهتان نجات یابید. آیا این کار را امروز انجام خواهید داد؟ بیایید همگی سرمان را خم کنیم و چشم هایمان را ببندیم. اگر مایلید که عیسی خداوند را بخوانید، آیا با ایستادن در سر جای تان به من نشان خواهید داد. (مکث کنید و متوجه جواب ها شوید.) کسانی که ایستادند تا به من نشان دهند که می خواهند عیسی خداوند را بخوانند می توانند با من (به یک مکان و زمان مشخص) بیایند تا من بتوانم از روی کتاب مقدس نشان دهم که چطور می توانند نجات یابند.

سوالات مروری

- ۱- خدا به سموئیل گفت که کاری برای او انجام دهد و از ماتم گرفتن برای شائول باز ایستد.
خدا از سموئیل خوات که چه کاری برای او انجام دهد؟
به بیت لحم برود و یکی از پسران یسا را به عنوان پادشاه جدید مسح کند.
- ۲- هفت پسر یسا به ترتیب سن شان آمدند و در مقابل سموئیل ایستادند.
سموئیل چه فکری درباره بزرگ ترین پسر، الیاب کرد؟
او فکر کرد که الیاب می باید همان باشد که خدا برگزیده است، زیرا او بزرگ ترین، بلند قد ترین و خوش تیپ ترین بود.
- ۳- خدا در رابطه با انتخاب پادشاه جدید چه هشدار می به سموئیل داد؟
اشاره کنید - پاسخ آیه حفظی ما است! (اول سموئیل ۱۶: ۷ را تکرار کنید. "... و چ.ن که خداوند مثل انسان نمی نگردد، زیرا که انسان به ظاهر می نگردد و خداوند به دل می نگردد." خدا گفت که ظواهر بیرونی یک شخص به اندازه طرز تفکر دل اش مهم نیست.

۴- خدا کدام یک از هفت پسر یسا را به عنوان پادشاه برگزید؟
خدا خبیچ کدام از آنها را انتخاب نکرد

۵- اسم جوان ترین پسر یسا چه بود، و در وقت جشن او کجا بود؟
اسم او داوود بود، او گوسفندان پدر اش را می چراند

۶- چرا داوود به جشن خوانده نشده بود؟
جوان ترین پسر خیلی مهم تلقی نمی شد

۷- چند تا از صفاتی که خدا می باید در دل داوود دیده بود تا او را برگزیند،
چیست؟
محبت به خدا، توکل به خدا، اشتیاق داشتن به خشنودی خدا، اطاعت، مهربانی
نسبت به دیگران

۸- چطور یک طرز تفکر ضعیف در زندگی یک شخص نمایان شود؟
چیزی که در دل اش وجود دارد، در رفتار اش ظاهر می شود، نا اطاعتی،
(طغیان، نا مهربانی)

۹- چطور یک طرز تفکر قلبی درست در زندگی یک شخص نمایان می
شود؟

اطاعت، اشتیاق در خشنود کردن خدا، تمایل به یادگیر از اشتباهات
۱۰- چطور شما می توانید فرزند خدا شوید؟

شما باید به گناهتان اعتراف کنید، ایمان بیاورید که عیسی خداوند برای شما
مرد و او را به عنوان نجات دهنده تان از گناه قبول کنید

چشم انداز درس

متن کتاب مقدس

اول سموئیل ۱۷: ۱-۵۸

آیه حفظی

مزمور ۱۱۸: ۸ " به خداوند پناه بردن بهتر است از توکل

" نمودن بر آدمیان

هدف تعلیم

بچه نجات یافته در این هفته در یک موقعیت که به خاطر مسیحی بودن مورد تهدید قرار می گیرد، شجاعت نشان خواهد داد.

تعلیم اصلی

به خدا توکل کن تا به تو جرات بدهد

تاکید برای نجات نیافتگان

مسیح را به عنوان نجات دهنده قبول کن

کمک های تصویری

۴۴ - ۳۲ و ۳۰ - ۲۹ - دی تخته کوچک

خطوط کلی درس

۱- مقدمه

مانند رعد، صدایی در دره پیچید... این فریاد تهدیدهای یک سرباز معمولی نبود. او بزرگ ترین، بی رحم ترین پهلوانی بود که آنها با او روبه رو شده بودند! آنها چه می باید می کردند؟

۲- پیشرفت وقایع

(الف- سربازان دشمن اسرائیلی ها و فلسطینی ها در کوه های مقابل یکدیگر اردو زدند. (۱۷: ۴- ۷)
ب- فلسطینی ها یک قهرمان، عظیم الجثه، هر اس انگیز به نام جلیات داشتند

پ- روزانه اسرائیل را به مبارزه می طلبید تا مردی را برای مبارزه کردن با او بفرستد، او باعث ترس شائول و ارتش شده بود. (۱۷: ۸- ۱۱)

ت- وقتی که داوود به چرانیدن گوسفندان در خانه مشغول بود، پدرش از او خواست که برای برادران اش که در ارتش خدمت می کردند غذا ببرد، و از سلامتی آنها مطمئن شود. (۱۷: ۱۲- ۱۹)
ث- داوود تهدیدهای جلیات و ترس اسرائیل را مشاهده کرد. (۱۷: ۱۳- ۲۴)

ج- رسید که این مرد کیست که می تواند ارتش خدا را به مبارزه بطلبد (۱۷: ۲۵- ۲۷)
چ- برادر داوود عصبانی بود زیرا داوود درباره جلیات صحبت کرده بود. (۱۷: ۳۸- ۳۵)



- دود با شائول گفت که مطمئن است در مقابل جلیات پیروز خواهد شد. (۱۷: ۳۱-۳۷)
 (خ- داوود زره شائول را نپذیرفت، و به جای آن با پنج سنگ و فلاخن اش بیرون رفت. (۱۷: ۳۸-۴۰)
 (د- جلیات داوود را تحقیر کرد، ولی داوود با شجاعت توکل اش را به خدا اعلام کرد. (۱۷: ۴۸-۴۹)
 (ذ- داوود به سوی جلیات دوید، سنگی پرتاب کرد و به پیشانی او ضربه ای زد. (۱۷: ۴۸-۴۹)

۳- نقطه اوج داستان

به واسطه جراتی که خدا به داوود داد، او وقتی که جلیات بر روی زمین افتاد، پیروز شد. دشمن اسرائیل مرد!
 (۱۷: ۵۰)

۴- نتیجه

- (الف- داوود سر جلیات را از تن اش جدا کرد، و فلسطینی ها از ترس فرار کردند. (۱۷: ۵۱)
 ب- ارتش اسرائیل ایشان را تعقیب کرد، و در پیروزی شان شادی کردند
 (۱۷: ۵۲-۵۸)



بچه نجات یافته

(به خدا توکل کن تا به تو جرات دهد. (مزمور ۱۱۸: ۸)



ت (بچه نجات نیافته

(مسیح را به عنوان نجات دهنده خود قبول کن. (یوحنا ۱: ۱۲)

تعلیم آیه حفظی

آیه حفظی: مزمور ۱۱۸: ۸

"به خداوند پناه بردن بهتر است از توکل نمودن بر آدمیان"

مقدمه:

کتاب مقدس تان را بالا نگه دارید. (این چه کتابی است؟ بله، این کلام خدا، کتاب مقدس است. این کتاب، پیام خدا برای ما است! خدا مردان متفاوتی را در نوشتن کتاب مقدس هدایت کرد تا ما بتوانیم به درستی و حقیقت کلام خدا اعتماد کنیم.

کتاب مقدس در حقیقت شامل ۶۶ کتاب در یک کتاب است. هر کتاب به فصل‌هایی تقسیم شده است، و هر فصل به آیه‌هایی تقسیم شده است. امروز ما به آیه وسطی تمامی آن آیه‌ها نگاه می‌کنیم!

معرفی:

آیه را از روی کتاب مقدس تان بخوانید، بعد اجازه بدهید بچه‌ها آیه را از (روی آیه نمایشی با شما بخوانند)

توضیح:

به خداوند پناه بردن بهتر است" – به خداوند پناه بردن یعنی به خدا و کلام... اش اعتماد کنید، یا تکیه نمایید. خدا می‌گوید که این کار بهتر است از توکل نمودن بر آدمیان" – به خدا توکل یا اعتماد کنید به جای این که به "انسان‌های دیگر توکل کنید. بعضی اوقات حتی دوستان نیز ما را نا امید می‌کنند. خدا تنها کسی است که ما می‌توانیم کاملاً به او اعتماد کنیم.

کاربرد:

نجات یافتگان: اگر عیسی نجات دهنده شما است، به خداوند اعتماد کنید، نه به دیگران. شما می‌توانید به خدا تکیه کنید تا به شما قوت و جرات دهد. او شما را نا امید نخواهد کرد.

نجات نیافتگان: اگر تا به حال عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خود از گناه قبول نکرده‌اید، شما امروز می‌توانید به خدا اعتماد کنید تا گناهتان را ببخشد. در ادامه ما بیشتر در این مورد صحبت خواهیم کرد و شما فرصتی خواهید داشت که عیسی را قبول کنید.

تکرار: شبیه گروهی از خوانندگان

بچه‌ها را به چند دسته تقسیم کنید. آیه را به چند بخش تقسیم کنید تا هر گروه بتواند قسمتی از آن را بگوید. همگی اول، مرجع آیه را با هم بگویید، آنگاه گروه‌ها به ترتیب هر قسمت را بگویند. همگی مرجع آیه را در پایان آیه تکرار کنید. چند بار این کار را انجام دهید، آنوقت جای گروه‌ها را تغییر دهید.

درس

مقدمه

مانند رعد، صدایی در دره غرید، و در میان کوه های احاطه کننده پیچید. " من امروز ارتش اسرائیل را به مبارزه می طلبم - به من مردی بدهید، تا با هم بجنگیم!" چرا ارتش پادشاه شائول از ترس می دوید؟ این یک سرباز معمولی نبود که فریاد تهدید آمیز سر می داد. او بزرگ ترین، بی رحم ترین پهلونی بود که آنها تا به حال با او رو به رو شده بودند! آنها چه باید می کردند؟

پیشرفت وقایع

تصویر شائول و خدمتکار، ۳۳ - ۳۲ - دی، و داوود و چنگ، ۳۰ - ۲۹ (. - دی را نصب کنید

سال های متمادی از زمانی که سموئیل مرد خدا ، داوود جوان را مسح کرده بود تا پادشاه بعدی اسرائیل بشود، گذشته بود. شائول پادشاه همچنان بر اریکه قدرت بود و داوود به نگهداری گوسفندان پدر اش می پرداخت و منتظر زمان خدا برای خود بود تا صاحب مقام اش به عنوان پادشاه اسرائیل بشود. داوود به نحوی گاه گاهی به قصد شائول می رفت، زیرا که او موسیقی دان شخصی شائول شده بود. شائول از استعداد داوود در نواختن چنگ آگاه شده بود، و بعضی اوقات داوود را می خواند تا بیاید و برای او بنوازد - مخصوصاً وقتی که شائول احساس افسردگی می کرد. (تصاویر را بردارید. تصویر چادر ۳۷ - ۳۶ - دی، ارتش اسرائیلی ها، ۳۸ - دی و ارتش (فلسطینیان، سی ۳۸ - بی ۳۸ را نصب کنید

در همین زمان دشمن قدیمی اسرائیل ، فلسطینی ها شروع به ایجاد مشکل برای آنها نمودند

اسرائیل به شکل معجزه واری فلسطینی ها را در گذشته شکست داده بود، اما حالا فلسطینی ها مصمم بودند که اسرائیل را مغلوب سازند! دو ارتش در دو طرف کوه هایی که دره ای بین آنها بود، جمع شده بودند. یکی از رسوم فلسطینی ها این بود که نماینده ای از هر ارتش می فرستاد تا برای آنها بجنگد. ارتشی که نماینده اش شکست می خورد، بندگان ارتش برنده می شدند. بنابراین وقتی که فلسطینی ها قهرمانی به نمایندگی از خود فرستادند، اسرائیلی ها متعجب نشدند، تا وقتی که قهرمان فلسطینی ها را دیدند

(. تصویر جلیات، ۳۹ - دی را در کنار سی ۳۸ - دی نصب کنید)

قهرمان فلسطینیها به نحو باور نکردنی مردی بزرگ - یک غول به نام جلیات بود. کتاب مقدس می گوید که او ۹/۹ اینچ قد داشت! سر، شانه، شینه و پاهای او به وسیله زره برنزی پوشیده شده بود که وزن زره در حدود ۱۲۵ پوند بود. او نیزه ای با یک نوک اهنه که ۱۵ پوند وزن داشت، حمل می کرد. او بزرگ و هراس انگیز بود! وقتی که مردان اسرائیل او را دیدند! می باید در وحشت و بهت به او خیره شده بودند

او با زره سنگین اش در میان دره راه می رفت. او با صدای غران و عظیم اش فریاد می زد، " چرا بیرون آمده ، صف آرایی نمودید؟ آیا من فلسطینی

نیستم و شما بندگان شائول؟

برای خود شخصی برگزینید تا نزد من در آید. اگر او بتواند با من جنگ کرده مرا بکشد، ما بندگان شما خواهیم شد و اگر بر او غالب آمده، او را بکشم شما بندگان ما شده، ما را بندگی خواهید نمود. شخصی به من بدهید تا با هم "جنگ کنیم"

اسرائیلی ها قوم خدا بودند، اما آنها از ترس منجمد شده بودند. حتی شائول پادشاه ترسیده بود! هر روز، دوبار در روز، صبح و در عصر، برای ۴۰ روز، جلیات بیرون می آمد و فریادهای تهدید آمیز سر می داد

آیا تا به حال با کسی که مانند جلیات رفتار می کرد، روبه رو شدید؟ شاید یک پهلوان یا جنایتکار در مدرسه وجود دارد که تهدید می کند اگر در انجام کارهای بد به او کمک نکنید، شما را کتک خواهد زد. شاید آنها هر روز مسخره می کنند زیرا شما در انجام کار درست پافشاری می کنید. شاید شما نمی پذیرید که یک فیلم مبتذل را تماشا کنید، یا شیشه های ساختمانی کهنه را بشکنید، و دیگران شما را مسخره می کنند. شما می خواهید از خدا اطاعت کنید، و کار درست را انجام دهید، اما شما احساس می کنید که به وسیله کسانی که خدا را دوست ندارند، تهدید می شوید، چه باید بکنید؟ کتاب مقدس می گوید، " هنگامی که ترسان شوم، من بر تو توکل (خواهم داشت)." (مرموز ۵۶: ۳)

اگر عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خود می شناسید به خدا اعتماد کنید تا به شما جرات دهد. آماده باشید تا با افراد دشوار روبهرو شوید حتی اگر ترسیده آید. شما می توانید به خدا اعتماد کنید که درست در موقع نیاز به شما جرات دهد

شائول پادشاه و ارتش اسرائیل برای دریافت شجاعت به خدا اعتماد نکرده بودند. آنها از تهدیدات جلیات غول ترسیره بودند

تصویر جلیات، ۳۹ - دی را بردارید. تصویر یسا و داوود، ۳۵ - ۳۴ (- دی را روی یک تخته کوچک نصب کنید

مادامی که برادران داوود در ارتش اسرائیل خدمت می کردند، داوود با وفاداری از گوسفندان پدر اش در بیت لحم نگهداری می کرد. یک روز پدر داوود، یسا، او را خواند. " داوود الان به جهت برادران ات یک ایفه از این غله برشته و این ده قرص نان را بگیر و به اردو نزد برادران ات بشتاب. و این ده قطعه پنیر را برای سردار هزاره ایشان ببر و از سلامتی برادران ات "بپرس و از ایشان نشانی ای بگیر

یسای گفت. داوود صبح زود روز بعد بیدار شد و مطمئن شد که یکی از خدمتکاران از گوسفندان مراقبت می کند. آنوقت او سریعاً لوازم را جمع کرد و به سوی اردوی ارتش حرکت کرد

داوود درست وقتی که ارتش اسرائیل برای ملاقات روزانه با دشمن شان آماده می شد، به آنجا رسید. آنها برای نبرد لباس پوشیده بودند، و بر روی کوه صف آرایی کرده بودند. داوود فوراً غذا را به مرد مسئول داد و با عجله

برای پیوستن به برادران اش به بالای کوه رفت.
تصویر داوود، ۳۵ - دی را از روی تخته کوچک بردارید و بر روی تخته (بزرگ بین (۳۸ - دی و ۳۶ - دی نصب کنید)
او به برادران اش درود فرستاد ولی متوجه شد که به نظر می رسد آنها گش نمی دهند. آنها به منظور خاصی به دامنه تپه در طرف مقابل خیره شده بودند و به نظر می رسید که منتظر چیزی هستند. آنوقت داوود دید که چشمان همگی آنها یکباره از ترس درشت شد و پیش از این که داوود بتواند بچرخد تا ببیند که آنها به چه چیزی خیره شده اند، او صدایی شنید. یک فریاد غرنده که تقریباً که تقریباً باعث شد زمین زیرپاهای اش به لرزه افتد (تصویر جلیات، ۳۹ - دی را در کنار سی ۳۸ - دی نصب کنید)
چرا بیرون آمده، صف آرایی نمورید؟ آیا من فلسطینی نیستم و شما بندگان " شائول؟

داوود چرخید تا ببیند که صدا از کجا می آمد. او نمی توانست به چشمان اش اعتماد کند! قلب او از نگاه کردن به مرد عظیم به شدت می تپید. صدای غول در میان دره منعکس شد. " شخصی به من بدهید تا با هم بجنگیم! شما را به مبارزه می طلبیم! شخصی به من بدهید تا با هم بجنگیم! " جلیات فریاد زد
داوود به اطراف خود به برادران اش و سربازان دیگر نگاه کرد. تعدادی از مردان اسرائیل برگشتند و از ترس جلیات فرار کردند.
این مرد کیست؟" داوود پرسید. یکی از مردان به داوود گفت که چطور " جلیات هر روز برای هفته های زیادی آنها را تهدید کرده بود. او به داوود گفت، " شائول پادشاه پاداشی تعیین کرده است. پادشاه گفت که دختر اش را به عنوان همسر به کسی که این مرد غول را بکشد، خواهد داد و هیچ کدام از اعضای خانواده این مرد (اسرائیلی) نباید مالیات بپردازند یا خدمتکار شوند "

شاید بعد سرباز اضافه کرد، " البته سربازی که سعی کند با این غول بجنگد هرگز زنده نخواهد ماند تا با دختر پادشاه ازدواج کند یا از یک پادشاه لذت ببرد "

داوود احساس کرد که سرمایی بر ستون فقرات اش جاری شد - نه به خاطر ترس، بلکه به خاطر عصبانیتی که از شنیدن تهدید شدن کشور اش و خدا اش ، احساس کرد، و وقتی که او ترسی رات که به نظر می رسید ارتش اسرائیل را فلج کرده بود دید.
فلسطینی کیست"، داوود فریاد زد، " که باید ارتش خدای زنده را به مبارزه " !بطلبید

جلیات شجاعانه قوم خدا را به مبارزه می طلبید و به نظر می رسید که هیچ کس نمی تواند او را متوقف کند

حتی امروزه ، دشمنان خدا فکر می کنند که می توانند از هر چیزی فرار کنند. آنها فکر می کنند که به خدا نیاز ندارند. تعدادی از آنها ممکن است که بزرگ و قوی باشند و فکر کنند که می توانند از خودشان مراقبت کنند. س می گوید که همه به خدا نیاز دارند. به عنوان آفریننده ما، اما کتاب مقدس ما را طوری ساخت که به رابطه ای با او نیاز داریم

طرز تفکر گناه آلود ما مبنی بر تلاش برای زیستن بدون کمک خدا، ما را دشمنان خدا می سازد. کتاب مقدس همچنان می گوید، چون خدا مقدس است، ما نمی توانیم از مجازات گناه فرار کنیم. خدا باید همیشه گناه را مجازات کند. مجازات جدایی ابدی از خدا است. اما آیا دانستن این عالی نیست که هرچند ما دشمنان خدا به دنیا می آییم، او همچنان شما و من را دوست دارد؟ او یگانه پسر اش، عیسی مسیح را فرستاد تا مجازات گناه شما را بردارد تا شما بتوانید دوست خدا بشوید. عیسی، کسی که عالی (بدون گناه) است، رنج کشید و با دادن خون اش بر روی صلیب مرد، تا شما بتوانید بخشیده شوید. کتاب مقدس می گوید عیسی (" چونکه به خون صلیب وی سلامتی را پدید آورد" (کولسیان ۱ : ۲۰) او به واسطه رنج و مرگ اش صلح را بین ما و خدای پدر ایجاد کرد. عیسی مسیح دفن شد و در روز سوم دوباره قیام کرد. بعضی از افراد نمی پذیرند که او را به عنوان نجات دهنده قبول کنند. آنها فکر می کنند که به خدا نیاز ندارند.

جلیات شجاعانه قوم خدا را به مبارزه می طلبید. او فکر می کرد که می تواند از مجازات طرز تفکر متکبرانانه اش فرار کند، اما داوود بهتر می دانست. وقتی که بزرگ ترین برادر داوود، الیاب، نظر داوود را شنید، او با عصبانیت به سوی برادر اش برگشت. " برای چه به این جا آمدی و گله قلیل را در بیابان نزد که گذاشتی/ الیاب تقاضا کرد. " من تکبر و شرارت دل تو " را می دانم زیرا برای دیدن جنگ آمده ای چه کار اشتباهی انجام داده ام؟" داوود پرسید، و از بحث کردن با برادر " اش خود داری کرد.

به زودی خبر داوودگسترش یافت. " آیا شنیدید که آن برادر جوان چه گفت؟ او گفت " چطور این مرد جرات می کند که ارتش خدای زنده را به مبارزه بطلبد؟" به زودی حرف های داوود به خود شائول پادشاه رسید. پادشاه فوراً کسی را نزد داوود فرستاد.

تمامی تصاویر به جز چادرها، ۳۷ - ۳۶ - دی را بردارید. تصویر (شائول، ۴۱ - دی و داوود، ۳۵ - دی را نصب کنید

داوود به پادشاه گفت، " اجازه نده کسی به خاطر این دشمن بترسد، من " خدمتکار تو هستم، و من می روم و با این فلسطینی خواهم جنگید شائول پادشاهی سعی کرد داوود را متقاعد کند. " تو نمی توانی با این غول بجنگی، تو به سختی از یک پسر بچه بزرگ تر هستی. این مرد از جوانی " اش مرد جنگی بوده است، تو هیچ آموزشی نداشته ای

داوود از ناامید شدن خود داری کرد. " بنده است که گله پدر خود را می چرانند. " او توضیح داد. " که شیر و خرسی آمده، بره ای از گله ربودند. و من آن را تعاقب نموده، کشتم و از دهان اش رهانیدم، بنده ات هم شیر و هم خرس کشت. این فلسطینی نامختون مثل یکی از آنها خواهد بود، چون که لشکرهای خدای حی را به تنگ آورده است. " داوود با باور قوی گفت: " خداوند که مرا از جنگ شیر و از چنگ خرس رهانید، مرا از دست این " فلسطینی خواهد رهانید

چرا داوود این قدر مطمئن بود؟ نه به خاطر این که تر خود اش قوت داشت، بلکه او می دانست و به خدای خود توکل کرد. خدا به داوود جراتی را که او نیاز داشت، می داد

اگر عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده تان می شناسید، به خدا اعتماد کنید تا به شما جرات دهد. خدا وعده کمک خود در زمان های ترس را می دهد. وقتی که احساس می کنید تعداد شما کم است و دشمنان خدا قوی تر از شما به نظر می آیند، به نظر آورید که خدا با شماست. او در طرف شما است!

آیه حفظی ما به ما یادآوری می کند، "به خدا پناه بردن بهتر است از توکل (نمودن بر آدمیان)." (مزمور ۱۱۸: ۸)

شما تنها نیستید. به خدا اعتماد کنید! به خدا بگویید، "به تو توکل می کنم." چرا شما می توانید به خدا توکل کنید؟ او از قوی ترین دشمنان قوی تر است. او می داند که چطور با کسانی که به خاطر محبت شما به خدا، به شما جفا می رسانند، مقابله کنید.

کاری را انجام دهید که می دانید خدا از شما می خواهد آن را انجام دهد. به کسانی که از شما می خواهند تا کار اشتباهی انجام دهید، نه بگویید. برای خدا بایستید. شما می توانید به خدا اعتماد کنید تا به شما جرات دهد، به خاطر این که خدا با شما است

خدا جرات مورد نیاز برای مقابله با جلیات را به داوود می داد. وقتی که شائول پادشاه حرف های مطمئن داوود را شنید و چهره مصمم را در چشمانش دید، گفت: "برو و خداوند با تو باشد"

وقتی که داوود برگشت تا برود، شائول متوجه شد که داوود هیچ رزهی ندارد، پس زره خود اش را به او پیشنهاد کرد. (تصویر زره، ۴۰ - دی در (بن داوود را نصب کنید)

داوود در زره سنگین تقلا می کرد. او شمشیر اش را محکم کرد، و شائول کلاه خود سنگین برنزی را بر سر اش گذاشت. چون داوود به استفاده از زره عادت نداشت. صدای خفه داوود از درون کلاه خود بزرگ بیرون آمد. "آیا می توانم تنها با لباس های چوپانی خودم بروم؟ پیش از این که بتوانم زره تو را بپوشم باید به استفاده کردن از زره عادت کنم." داوود مشتاقانه تکه های سنگین زره را از تن خود در آورد

تصویر زره و شائول، ۴۱ - ۴۰ - دی را بردارید و تصویر فلاخن، ۴۳ - دی (در دست داوود را نصب کنید)

داوود وسایل شبانی و فلاخن اش را برداشت، و رفت تا با جلیات رویه رو شود. وقتی که او از روز کوچکی عبور می کرد، ایستاد و پنج سنگ صاف برداشت و به درون کیسه اش انداخت. (احتمالاً شائول و مردان اش در امتداد کوه صف آرایی کرده بودند و در بهت نفس گیر، این پسر جوان شجاع را که جلیات نزدیک می شد، تماشا می کردند)

(تصویر جلیات، ۴۲ - دی را نصب کنید)

غول کسی را دید که از اردوی اسرائیل به سوی او می آمد. وقتی که داوود نزدیک تر می آمد، جلیات می توانست که رقیب اش را واضح تر ببیند. او

چشمان عصبانی اش را بر روی پسر چوپان متمرکز کرد. تنفر و تمسخر در چهره جلیات نمایان بود. بعد صدای عظیم اش در میان دره غرید. آیا من سگ هستم که با چوبدستی نزد من می آیی؟ او با دیدن لوازم شبانی " در دست داوود این را گفت. او داوود را لعنت کرد. " نزد من بیا تا گوشت تو را به مرغان هوا و درندگان صحرا بدهم. " تهدیدهای جلیات مانند رعد در دامنه کوه به گوش اسرائیلی ها وحشت زده رسید.

ارتش فلسطین نیز تماشا کرد و گوش داد. آنها فکر کردند این نبرد اصلاً طول نخواهد کشید! داوود فریاد زد: " تو با شمشیر و نیزه و مزارق نزد من می آیی، اما من به اسم یهوه صباپوت، خدای لشکرهای اسرائیل که او را به تنگ آورده ای، نزد تو می آیم و خداوند امروز تو را به دست من تسلیم خواهد کرد و تو را زده، سر تو را از تنت جدا خواهم کرد، لاشه های لشکر فلسطینیان را امروز به مرغان هوا و درندگان زمین خواهم داد تا تمامی زمین بدانند که در اسرائیل خدایی هست و تمامی این جماعت خواهند دانست که خداوند به شمشیر و نیزه هلاسی نمی دهد زیرا که جنگ از آن خداوند است. " و او شما را به دست ما خواهد داد.

داوود به سوی جلیات دوید. او دست اش را به درون کیسه ای برد و سنگی را برداشت و درون فلاخن قرار داد. داوود فلاخن را به بالای سر اش بلند کرد و چرخاند و چرخاند.

فلاخن تندتر و تندتر از آن می چرخید که چشم بتواند ببیند. بعد با یک صدای ز- ز- ز- زینگ، سنگ با سرعت برق (نور) در هوا پرواز کرد و بر پیشانی جلیات نشست.

(تصویر جلیات، ۴۲- دی با ۴۴- دی را نصب کنید)

نقطه اوج داستان

به واسطه جراتی که خدا داد، وقتی که جلیات عظیم بر روی زمین افتادف! داوود نبرد را برد. دشمن اسرائیل مرده بود.

نتیجه

(تصویر داوود، ۳۵- دی، را پشت جلیات، ۴۴- دی نصب کنید)
داوود به سوی غول دوید. بر بالای بدن عظیم اش ایستاد و شمشیر جلیات را بیرون کشید و سر غول را جدا کرد. وقتی که فلسطینی ها دیدند که قهرمان شان مرده است، ترسیدند! آنها برگشتند و برای نجات زندگی شان فرار کردند. ارتش اسرائیل که اکنون از خوشی و اطمینان پر شده بود، دشمن را دنبال کرد و پیروزی عظیمی به دست آورد.
(تصاویر را بردارید)

تقلا

پیروسی به دست آمده بود، زیرا داوود برای دریافت شجاعت به خدا توکل کرد. " به خداوند پناه بردن بهتر است از توکل نمودن بر آدمیان. " (مزمور ۱۱۸ : ۸)

گر عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده تان می شناسید، به خدا توکل کنید تا به شما جرات دهد. این هفته هر موقعیتی که داشته باشید، آیا مانند داوود به خدا توکل خواهید کرد؟

به یاد آورید خدا با شما است. به خدا بگویید، "به تو توکل می کنم." آن وقت کاری را انجام بده که خدا می خواهد شما انجام دهید. خدا قادر مطلق است و شما را خیلی زیاد دوست دارد. شما می توانید کاملاً به او اعتماد کنید. شما می توانید یکی از این برگه ها را به خانه ببرید. برگه می گوید، "این هفته من به تو، ای خدا توکل می کنم تا برای () به من جرات بدهی. شما می توانید جای خالی را با هر موقعیتی که با آن روبه رو می شوید، پر کنید. به عنوان یک یادآوری، برای توکل به خدا از آن برگه استفاده کنید. اگر مایلید می توانید بعد از کلاس منتظر بمانید، و من خوشحال خواهم شد که با شما درباره موقعیت دشوارتان دعا کنم. هفته بعد، شما می توانید با ما در میان بگذارید که خدا چطور وقتی که نیاز داشتید به شما جرات داد

دعوت

شاید هرگز عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده تان از گناه قبول نکرده اید. شما می توانید از این گناه امروز توبه کنید و آنچه عیسی خداوند برای شما بر روی صلیب انجام داد، اعتماد کنید. کلام خدا می گوید: "و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به خر که به اسم او ایمان آورد" (یوحنا ۱: ۱۲) آیا امروز او را قبول خواهید کرد؟ بیایید همگی سرمان را خم کنیم و چشم های مان را ببندیم. اگر مایلید که عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خود قبول کنید، آیا با نگاه کردن به من نشان خواهید داد. (مکتب کنید و متوجه پاسخ ها شوید.) اگر به من نگاه کردید تا نشان دهید که می خواهید عیسی خداوند را قبول کنید، لطفاً مرا در یک مکان و زمان مشخص (ملاقات کنید تا من بتوانم به شما کمک کنم که از روی که از روی کلام خدا بفهمید، چطور می توانید فرزند او شوید.

سوالات مروری

- ۱- کدام دشمن سعی در اشغال سرزمین اسرائیل داشت؟
فلسطینی ها
- ۲- چرا اسرائیلی ها از جلیات می ترسیدند؟
او یک غول بود، او روز و شب بیرون می آمد و فریادهای تهدید آمیز سر (می داد و به آنها توهین می کرد
- ۳- اسرائیلی ها به جای این که اجازه دهند ترس شان از جلیات ایشان را کنترل کند چه چیزی را باید به یاد می آوردند؟
(که آنها قوم خدای زنده بودند، خدایی که از هر غولی قوی تر است

۴- چرا داوود از تهدیدهای جلیات عصبانی شد؟
چون جلیات خدا و قوم اش را به مبارزه می طلبید

۵- دشمن خدا کیست؟ چطور رابطه یک شخص با خدا صلح آمیز می شود؟
همه ما به خاطر گناهمان دشمنان خدا هستیم تا وقتی که عیسی خداوند را به
عنوان نجات دهنده مان قبول کنیم. عیسی به واسطه خون اش بین ما و خدا
صلح ایجاد کرد

۶- چه چیزی باعث شد که داوود فکر کند که می توانست با جلیات بجنگد و
پیروز شود؟
او وفاداری خدا نسبت به خویش در گذشته را به یاد آورد، او به خدا برای
پیروزی اعتماد کرد

۷- چرا اغلب برای پسران و دختران مسیحی سخت است که برای خدا
بایستند؟
دیگران اغلب کسانی را که برای خدا زندگی می کنند، مسخره یا تهدید می
کنند

۸- وقتی که شما به قوت نیاز دارید تا برای خدا بایستید، چه آیه ای از کتاب
مقدس را می توانید به یاد آورید؟
مزمور ۱۱۸: ۸ " به خدا پناه بردن بهتر است از توکل نمودن بر آدمیان

۹- داوود به شائول پادشاه چه گفت تا او را متقاعد کند که می تواند جلیات
را شکست دهد؟
داوود به او گفت که چطور در گذشته خدا به او کمک کرد و چطور حالا او
به خدا توکل کرده بود

۱۰- قبل از این که داوود به سوی جلیات بدود با فریاد به او چه گفت؟
اما من به اسم یهوه صباوت خدای لشکرهای اسرائیل که او را به تنگ"
آورده ای نزد تو می آیم

چشم انداز	
متن کتاب مقدس	اول سموئیل ۱۸: ۱-۱۶، ۱۹: ۱-۱۰، ۲۰: ۱-۴۲
آیه حفظی	افسیان ۴: ۲۴ "... و انسانیت تازه را که به صورت خدا در عدالت و قدوسیت حقیقی آفریده شده است بپوشید. بگ
هدف تعلیم	بچه نجات یافته گناه حسادت خویش را به خدا اعتراف می کند و یک نمونه جدید رفتار تاسیس می کند.
تعلیم اصلی	شما می توانید با کمک خدا گناه حسادت را متوقف کنید
تاکید برای نجات نیافتگان	به مسیح به عنوان نجات دهنده خود ایمان بیاور
کمک های تصویری	۶۰-۵۹، ۵۷-۴۶-دی

خطوط کلی درس

۱- مقدمه


مشکل امیر حسادت بود. اگر حسادت متوقف نشود، چه اتفاقی می افتد- اگر حسادت شما را کاملاً کنترل کند، چه اتفاقی می افتد؟ بیایید به داستان ما گوش دهید و متوجه شویم

۲- پیشرفت وقایع

(الف- بعد از این که داوود بر فلسطینی پیروز شد، او به اهل خانه شائول پیوست. (۱۸: ۲

(ب- پسر شائول یوناتان، و داوود بهترین دوست شدند. (۱۸: ۱، ۳-۴

(پ- شائول پادشاه، پست مهمی به عنوان یک فرمانده ارتش، به داوود داد.

 که شائول و داوود از یک نبرد بر می گشتند، شائول شنید که گروهی از زنان پیروزی های داوود را جشن گرفته و برای اش سرود می خوانند.

ث- شائول نسبت به شهرت داوود عصبانی و حسود شد.

(ج- شائول سعی کرد که با نیزه داوود را بکشد. (۱۸: ۱۰-۱۲

چ- شائول داوود را از نزد خود دور کرد، اما خدا به برکت دادن به داوود ادامه داد و او را در هر کاری موفق (می گردانید. (۱۸: ۱۳-۱۶

(ح- یوناتان به پدر اش التماس کرد که توبه کند. (۱۹: ۱-۶

(خ- بعد از مدت کوتاهی آرامش، شائول دوباره سعی کرد که با نیزه اش داوود را بکشد. (۱۹: ۷-۱۰

شائول پادشاه شفاعت کند. (۲۰: ۱-۳۲



۳- نقطه اوج داستان

(شائول پادشاه از طلبیدن کمک خدا خودداری کرد، اکنون حسادت او کاملاً او را کنترل می کرد. (۲۰: ۳۳


۴- نتیجه


الف- یوناتان به وسیله یک نقشه از قبل طرح شده به داوود هشدار داد. در این نقشه داوود می باید از شائول (فرار می کرد. (۲۰: ۳۴ - ۴۰

ب- داوود و یوناتان با چشمانی اشکبار از یکدیگر جدا شدند. (۲۰: ۴۱ - ۴۲

 (بچه نجات یافته

از خدا در خواست کمک بنما، تا حسادت را متوقف بسازی
(افسسیان ۴: ۲۴)

 و دعوت (بچه نجات نیافته

به عنوان نجات دهنده خود ایمان بیاور. (یوحنا ۳: ۱۶)


تعلیم آیه حفظی

آیه حفظی: افسسیان ۴: ۲۴

و انسانیت تازه را که به صورت خدا در عدالت و قدوسیت حقیقی آفریده " شده است، بپوشید

مقدمه:

آیا تا به حال واقعاً در برف یا باران و گل به سختی بازی کرده اید؟ (اجازه دهید بچه ها مختصراً پاسخ دهند)
چه احساسی داشتید وقتی که خودتان را کاملاً تمیز کردید و لباس های پاکیزه پوشیدید؟

اجازه دهید پاسخ داده شود.) احتمالاً پوشیدن لباس های گرم و پاکیزه (احساس خوبی به شما داد. امروز آیه کتاب مقدس درباره پوشیدن چیز دیگری که پاکیزه است، صحبت می کند

معرفی:

آیه را از کتاب مقدس تان بخوانید- یا بچه دیگری این کار را انجام دهد- بعد (اجازه دهید که بچه ها آیه را از روی آیه نمایشی با شما بخوانند)

توضیح:

و انسانیت تازه را بپوشید"- در این آیه خدا می گوید که شما نیاز دارید که " فرد جدیدی بشوید، و یک زندگی تغییر یافته را زیست کنید
که به صورت خدا"- این شخص جدید بیشتر شبیه خداست. او سعی خواهد کرد که بگوید، فکر کند یا عمل کند همانطور که خدا رفتار می کند، زیرا او به روح القدس اجازه می دهد که او را هدایت کند و تغییر دهد
که در عدالت و قدوسیت حقیقی آفریده شده است"- این شخص جدید بوسیله " خدا آفریده شده است تا عادل (عملکرد او درست، نیکو یا منصفانه باشد) و مقدس (در اعمال، افکار و گفتار اش پاک و خالص باشد.) باشد

کاربرد:

نجات یافتگان: هیچ کس نمی تواند با تلاش خود اش چنین شخص جدیدی شود. تنها خدا می تواند به ما کمک کند که در عدالت و قدوسیت شبیه خدا شویم. اگر قبلاً به عیسی به عنوان نجات دهنده تان از گناه اعتماد کرده اید، خدا در درون شما زندگی می کند. شما می توانید با کمک خدا گناهی مانند حسادت و آزار رساندن به دیگران را متوقف کنید
نجات نیافتگان: آیا به عیسی اعتماد کرده اید تا گناه شما را ببخشد؟ اگر نه، چرا امروز این کار را انجام ندهید! در پایان در س کتاب مقدسی شما فرصتی خواهید داشت که به او ایمان آورید و زندگی جاودانی را دریافت کنید

تکرار:

اجازه دهید کسانی که جوراب پوشیده اند بایستند و آیه را بگویند... کسانی (که صبحانه خورده اند... کسانی که فوتبال را دوست دارند... و ... چندین بار بازی را با مقوله های مختلف ادامه دهید. بازی را از یک مقوله به مقوله (بعدهی منتقل کنید، اما مطمئن بشوید که هر بار بچه ها آیه را می گویند)

درس

مقدمه

مشکل امیر حسادت بود. او تمام توجهات افراد را می خواست. او نسبت به هر کسی، برادر و خواهر اش، بقیه پسرها و بهترین دوست اش حسود بود. وقتی که مادر امیر خواهر امیر را به خاطر نمرات خوب اش در مدرسه ستایش می کرد، امیر سر می کرد که تمامی چیزهای بزرگی را که انجام داده بود، نام ببرد. همچنین امیر یک مسیحی بود، هر باز که دیگران مورد ستایش قرار می گرفتند، او عصبانی و رنجیده خاطر می شد. آیا تا به حال مثل امیر احساس کرده اید؟ وقتی که حسادت متوقف نمی شود - اگر حسادت کنترل کامل شما را به دست گیرد چه اتفاقی می افتد؟ بیایید به درس ما گوش دهیم و متوجه شویم!

پیشرفت وقایع

(تصویر شائول، ۴۶- دی و داوود ۴۸- دی را نصب کنید)

شائول پادشاه بسیار تحت تاثیر داوود قرار گرفته بود! او پیروزی داوود بر جلیات و شکست فلسطینی ها را تماشا کرد. شائول تصمیم گرفت که داوود نباید دیگر در خانه پدر اش زندگی کند و به چرانیدن گوسفندان بپردازد. داوود بسیار بسیار ارزشمند بود! از این به بعد، داوود در قصر به عنوان قسمتی از اهل خانه پادشاه زندگی می کرد.

(تصویر یوناتان، ۴۷- دی را نصب کنید)

این تصمیم باعث خشنودی پسر شائول، یوناتان شد، زیرا داوود بهترین دوست او شده بود. یوناتان و داوود در بسیاری از موارد شبیه یکدیگر بودند. هر دو آنها مردان جوانی به دنبال اراده خدا بودند. آنها خدا را دوست داشتند و برای قوت و جرات به خدا توکل می کردند. یوناتان احترام زیادی برای داوود قائل می شد زیرا مدتی پیش یوناتان نیز با فلسطینی ها جنگیده بود و خدا پیروزی بزرگی به او داده بود. شاهزاده یوناتان لباس سلطنتی، زره و شمشیر اش را به او داد، این افتخار بزرگی برای مرد جوان بود. یوناتان می دانست که روزی داوود به جای او پادشاه خواهد شد. او می توانست نسبت به داوود حسادت بورزد، اما در عوض دل یوناتان پر از محبت و ستایش برای دوست اش بود. یوناتان و داوود قول دادند تا وقتی که زنده هستند به یکدیگر وفادار بمانند.

(تصویر لباس یوناتان، ۴۹- دی در تن داوود را نصب کنید)

وقتی که شائول پادشاه دید، داوود با شجاعت بسیار با دشمن اسرائیل جنگید

و این که چطور سربازان از نمونه داوود جرات یافتند، او را به عنوان یک فرمانده مقام بخشید. داوود مورد احترام و محبت بقیه سربازان و مردم قرار داشت.

وقتی که ارتش اسرائیل از نبرد با فلسطینی ها بر می گشت و پیروز مندانه در شهر رژه می رفت، مردم فریاد خوشی سر می دادند. وقتی که زنان ابزار آلات موسیقی را می نواختند و در ستایش سربازان شجاع سرود می خواندند، خوا از موسیقی پر شده بود.

شائول پادشاه قبلاً بارها این سرودها را شنیده بود. او از شنیدن پیروزی هایش در غلبه بر دشمنان اسرائیل لذت می برد. وقتی که او به سرود های زنان گوش می داد، لبخند می زد.

شائول هزاران خود را کشته است!" زن ها در جشن خواندند. اما قسمت " بعدی سرود آنها باعث شد، لبخند شائول پادشاه محو شود. " شائول هزاران "خود را و داوود ده هزاران خود را کشته است

زنان با شاری خواندند. قبلاً شائول قهرمان اسرائیل بود. او به هیچ وجه نمی خواست که افتخار اش را با این مرد جوان تقسیم کند

احترام و ستایشی که شائول نسبت به داوود احساس می کرد، فوراً تبدیل به عصبانیت و تردید شد. آنها احترام بیشتری به این مرد جوان تا به من می گذارند- و من پادشاه هستم

او احتمالاً فکر کرد. شاید شائول پادشاه حرف های سموئیل را به یاد آورد، " خدا مرد دیگری را به جای تو انتخاب کرده تا پادشاه شود- مردی به دنبال " اراده خدا

آیا این مرد جوان می توانست همان کسی باشد که سموئیل به او اشاره کرد؟

آیا می دانید حسادت چیست؟ حسادت بع این معنی است ، چون شما چیزی را که دیگران دارند، ندارید غمگین یا حتی عصبانی هستید. وقتی که دوستان تان درباره برادر یا خواهرتان چیزهای خوب می گویند، اما به کاری که شما انجام داده اید توجه نمی کنند، چطور عکس العمل نشان می دهید؟ آیا حسادت می کنید؟ شاید یکی از دوستان تان همیشه در مدرسه نمراتی بهتر از شما کسب می کند. شاید موارد جدیدی در خانواده دارید که تمام توجهات را به خود جلب می کند. شاید خواهر شما بلاس یا اسباب بازی بیشتری از والدین تان دریافت کند. شما نمی توانید همیشه از خطور افکار حسادت آمیز به ذهن تان جلوگیری کنید. اما اگر اجازه دهید که افکار حسادت آمیز رشد کنند، آنها می توانند به چیز بسیار بدی تبدیل شوند. کتاب مقدس می گوید که حسادت (رشک) " پوسیدگی استخوانها (است)". (امثال ۱۴ : ۳۰)

به این مفهوم که اگر شما اجازه دهید، حسادت می تواند آنقدر شما را کنترل کند که از لحاظ جسمی بیمار شوید. اگر شما به عیسی مسیح خداوند به عنوان نجات دهنده تان اعتماد کرده اید، با کمک خدا می توانید گناه حسادت را متوقف کنید. اگر اجازه می دهید که حسادت شما را کنترل کند، درباره افکار حسادت آمیز تان به خدا بگویید و به او اعتراف کنید (با او موافقت کنید) که حسادت گناه است

از خدا به خاطر نحوه ای که شما را ساخت و به خاطر چیزهایی که اجازه داد داشته باشید، تشکر کنید. شما برای او مخصوص هستید! خدا می تواند به شما کمک کند به جای این که به وسیله حسادت کنترل شوید، شاد و راضی باشید.

شائول اجازه داد که احساسات حسادت آمیز اش نسبت به داوود افکار اش را کنترل کند. او عصبانی و مشکوک بود که شاید داوود کسی بود که به جای او پادشاه شود.

تصاویر را بردارید. تصویر شائول و داوود، ۵۱- ۵۰- دی را نصب کنید ()

روز بعد شائول بسیار بد اخلاق بود. کتاب مقدس می گوید که روح " بد بر شائول آمده، در میان خانه شوریده احوال گردید." داوود چنگ اش را برداشت و شروع به نواختن آهنگی آرام بخش نمود. اما این آهنگ پادشاه را آرام نکرد. در حقیقت به نظر می رسید که شائول عصبانی تر شد! (تصاویر را بردارید. تصویر شائول و نیزه، ۵۳- ۵۲- دی و ۵۴- دی را نصب کنید.) شائول بدون هیچ هشدار، نیزه ای را برداشت و به سوی داوود پرتاب کرد، و سعی کرد تا او را به دیوار بچسباند! وقتی که داوود به سوی دیگر پرید و اجازه داد تا نیزه با صدای زوم از کنار اش بگذرد، قلب اش به شدت می تپید. داوود می باید به خاطر رفتار عجیب پادشاه گیج شده بود.

کتاب مقدس می گوید که شائول پادشاه از داوود می ترسید. او می دانست که خدا با داوود بود، و از او حفاظت می کرد. شائول به خاطر گناه اش از خدا دور بود.

هر گاه شائول داوود را می دید، به یاد ترس اش می افتاد پس نفرت و حسادت اش نسبت به داوود به رشد کردن ادامه داد. چون شائول قادر نبود خود اش داوود را بکشد، تصمیم گرفت او را از خود دور کند تا در نبرد کشته شود. چه نقشه عالی، شائول می باید اندیشیده بود. داوود برای همیشه خواهد رفت، و هیچ کس شک نخواهد کرد که من این چنین ترتیب دادم اما نقشه شائول کارگر نیافتاد. خدا به برکت دادن و حفاظت کردن از داوود ادامه داد. محبت مردم به داوود زیاد تر شد و بنا بر این حسادت شائول نیز زیادتر شد.

(تصاویر را بردارید. تصویر یوناتان ، ۵۵- دی را نصب کنید)

یوناتان از تفر پادشاه نسبت به داوود مطلع بود. در واقع شائول سعی کرد از یوناتان کمک بگیرد تا داوود را بکشد! یوناتان به داوود درباره ادامه عصبانیت شائول نسبت به داوود هشدار داد. او به داوود هشدار داد که پنهان شود و به او قول داد که درباره او با پادشاه صحبت کند. (تصویر شائول، ۴۶- دی را نصب کنید)

یوناتان به نزد پدر اشرفت تا سعی کند او را متقاعد نماید. او به شائول پادشاه باآوری کرد که چقدر زیاد داوود نسبت به شائول ، مخصوصاً در کشتن جلیات احسان کرد. شائول به پسر اش گوش کرد و موافقت کرد. " داوود را " نخواهم کشت"، شائول قول داد. " به حیات خداوند، کشته نخواهد شد

یوناتان از شنیدن وعده پدراش آسوده شد. او خبرهای هوب را به داوود گفت و او را به قصر برگرداند، یوناتان مطمئن بود که همه چیز به خوبی پیش خواهد رفت.

داوود دوباره چنگ اش را برای پادشاه نواخت. بعد یک بار دیگر، داوود ارتش اسرائیل را در جنگ علیه فلسطینی ها رهبری کرد و پیروزی دیگری کسب کرد.

بعد از آن، داوود برگشت و دوباره شائول را در یکی از خلق و خواهی بد اش یافت. داوود چنگ اش را برداشت و شروع به نواختن نمود. درست مانند دفعه قبل، شائول نیزه اش را برداشت و آن را به طرف داوود پرتاب کرد، اما نیزه با فاصله کمی از کنار داوود گذشت. داوود فرار کرد و به مخفی گاه اش برگشت. شائول قول اش را شکسته بود. حسادت او آنقدر عظیم بود که باعث شد او کارهای بسیار بده، حتی تلاش برای قتل، انجام دهد.

حسادت می تواند شما را نیز به سوی چیزهای بسیار بد هدایت کند، اما اگر شما به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان آورده اید، به کمک خدا، می توانید گناه حسادت را متوقف کنید. وقتی که درک می کنید که حتی اندکی نسبت به دوستی، عضوی از خانواده یا شخص دیگری حسادت می ورزید، آن را به خدا اعتراف کنید. کتاب مقدس می گوید که شما باید حسادت را از "خود بیرون کنید". (افسسیان ۴: ۲۲-۲۳) به این مفهوم که حسود بودن را کنار بگذارید یا متوقف کنید.

از خدا بخواهید تا به شما کمک کند که مقایسه کردن خودتان با دیگران را متوقف کنید. خواست و میل داشتن چیزهایی را که دیگران دارند، متوقف کنید. تاسف خوردن برای خودتان را متوقف کنید.

در عوض آیه حفظی ما می گوید: "... انسانیت تازه را که به صورت خدا در (عدالت و قدوسیت حقیقی آفریده شده است ببوشید. " (افسسیان ۴: ۲۴) پوشیدن انسانیت تازه " به این مفهوم است که اجازه دهید زندگی تان نشان " دهد که عیسی خداوند شما را از درون تغییر داده است. به این معنی که شخصی به دنبال اراده خدا باشید - شخصی که از کنترل شدن به وسیله حسادت خود داری می کند. به جای حسود بودن این چهار چیز را امتحان کنید:

- ۱) برای شخصی که نسبت به او حسود هستید دعا کنید
- ۲) به دنبال چیزی خوب در آن شخص بگردید
- ۳) به شخص بگویید که به خاطر چیزی نیکو در آن شخص، او را می ستایید
- ۴) از خدا به خاطر کاری که در زندگی آن شخص انجام می دهد، تشکر کنید.

وقتی که شروع به " پوشیدن " این چیزها می کنید، متوجه خواهید شد که خدا به شما قدرت می دهد تا بر حسادت غلبه کنید. اگر به خدا اجازه ندهید که به شما کمک کند تا گناه حسادت را متوقف کنید، حسادت می تواند شما را به سوی انجام کارهای بسیار بدی هدایت کند.

شائول حتی سعی کرد داوود را بکشد زیرا حسادت او بسیار عظیم شده بود!

(تصویر شائول، ۴۶- دی را بردارید، ۴۸- دی را نصب کنید)
داوود بعد از مدتی پنهان شدن، مخفیانه به دیدن یوناتان رفت. " چه کرده ام؟" داوود از دوست اش پرسید. " عصیانم چیست و در نظر پدر ات چه گناهی کرده ام که قصد جان من را دارد؟"
اکنون مطمئن هستم که پدرم نقشه قتل تو را ندارد،" یوناتان گفت. " اینک " پدر من امری بزرگ و کوچک نخواهد کرد جز آن که مرا اطلاع خواهد داد.
"پس چگونه پدرم این امر را از من مخفی بدارد؟"
پدر ات می داند که رفاقت ویژه ای بین من و تو وجود دارد،" داوود جواب داد، " پس او به تو نمی گوید که چقدر از من متنفر است. او می داند که این موضوع تو را ناراحت می کند. ولکن به حیات خداوند و به حیات تو که در میان من و موت، یک قدم بیش نیست

یوناتان به خاطر حرف های داوود ناراحت شد. او داوود را دوست داشت.
" می خواهی برای تو چه کنم؟" یوناتان پرسید. " اینک فردا اول ماه است و من باید با پادشاه به غذا بنشینم. پس مرا رخصت بده تا شام سوم، خود را در صحرا پنهان کنم. اگر پدر ات مرا مفقود ببیند، بگو داوود از من بسیار التماس نمود که به شهر خود به بیت لحم بشتابد، زیرا که تمامی قبیله او را انجا قربانی سالیانه است. اگر گوید که خوب، آنگاه بنده ات را سلامتی خواهد بود، و اما اگر بسیار غضبناک شود بدان که او نقشه قتل مرا دارد. متوجه شو " که پدر ات چطور احساس می کند و مرا مطلع ساز
(تصویر سنگ ها، ۵۶- دی را نصب کنید)

دو دوست در صحرا با همدیگر راه رفتند. یوناتان به داوود نگاه کرد و گفت: " ای یهوه، خدای اسرائیل، چون فردا یا روز سوم پدر خود را مثل این وقت آزمودم و اینک اگر برای داوود خیر باشد، اگر نزد او نفرستم و وی را اطلاع ندهم، خداوند به یوناتان مثل این زیاده از این عمل نماید و اما اگر پدرم ضرر به تو را ثواب ببیند، پس تو را اطلاع داده رها خواهم نمود تا به "سلامتی بروی و خداوند همراه تو باشد چنانکه همراه پدر من بود
بعد یوناتان خواست که عهدهی بین آنها بسته شود. " داوود، به من قول بده که همیشه با خانواده ام مهربان خواهی بود. این را زمانی که تمامی دشمنانت "مغلوب شده اند، و از هیچ کس نمی ترسی، به یاد آور
"داوود رسماً قول داد،" قول می دهم

یوناتان به داوود نشانه ای داد تا او بداند آیا برگشتن به قصر امن خواهد بود یا نه. در حالی که یوناتان به صحرا اشاره می کرد، گفت: " در روز سوم بیا و در کنار کپه سنگ ها بنشین. من با پسر بچه کوچکی به صحرا خواهم آمد و سه تیر به کنار سنگ ها پرتاب خواهم کرد مانند اینکه به هدفی نشانه رفته ام. اگر به بچه بگویم، ببین تیرها در این طرف هستند، آنها را بیاور، آنوقت خواهی خواهی دانست که در امان هستی. اما اگر به او بگویم ببین، تیرها آن طرف هستند، آنوقت به راه خود برو. تو خواهی دانست که خداوند " به تو اجازه می دهد که فرار کنی

تصاویر را بردارید. تصویر شائول، ۵۰- دی، یوناتان ۵۵- دی و میز،)

(۵۷- دی را نصب کنید)

در روز دوم جشن، وقتی که شائول متوجه شد که داوود همچنان غایب است، او بسیار عصبانی شد.

او بر یوناتان فریاد زد، "آیا نمی دانی تا وقتی که داوود بر روی طمین راه می رود تو نمی توانی پادشاه شوی؟" این موضوع از زمانی که خدا پادشاهی را از خانواده شائول گرفته و به داوود داده بود، حقیقت داشت. شائول پادشاه با عصبانیت فریاد زد: "به دنبال داوود بفرست. او یقیناً باید بمیرد. تو باید!" خوشحال باشی که از دست او خلاص شوی

یوناتان با شجاعت به طرفداری از دوست اش ایستاد و به پدر اش التماس کرد، "چرا او باید کشته شود؟ او چه کاری انجام داده است؟" وقتی که شائول محبت پسر اش را به داوود دید، به شکل غیر قابل کنترلی عصبانی شد. او نیزه اش را برداشت و به سوی یوناتان پرتاب کرد! حسادت! شائول آنقدر زیاد شده بود که حتی حاضر بود پسر خودش را بکشد

نقطه اوج داستان

چون شائول پادشاه نپذیرفت که از خدا در خواست کمک کند، اکنون حسادت اش کاملاً او را کنترل می کرد

نتیجه

تصاویر را بردارید. تصویر یوناتان، ۴۷- دی، پسر بچه خدمتکار، ۵۹- (دی، سنگ ها، ۵۶- دی را نصب کنید)

یوناتان مهمانی را ترک کرد. او از پدر اش عصبانی و برای دوست اش داوود غمگین بود. صبح روز بعد یوناتان پسر بچه ای را که خدمتکار بود با خود به صحرا، جایی که داوود در آنجا پنهان شده بود برد. او تیرها را به کنار کپه سنگ ها پرتاب کرد، بعد پسر بچه را به دنبال تیر ها فرستاد. یوناتان طوری به پسر فریاد زد که داوود بتواند بشنود، او داد زد، "آیا تیرها ان طرف تو نیست؟" این جمله نشانه موعود بود که خبرهای بد را به داوود می گفت. پسر کوچک تیرها را پیدا کرد و به نزد یوناتان بازگشت، و یوناتان او را به شهر فرستاد

(تصاویر را بردارید. تصویر یوناتان و داوود، ۶۰- دی را نصب کنید) همین که پسر رفت، داوود از مخفیگاه اش بیرون آمد. او آنقدر غمگین بود که نمی توانست صحبت کند. دو دوست یکدیگر را در آغوش کشیدند و گریستند. بالاخره یوناتان گفت: "به سلامت برو، داوود"، او گفت. "ما وعده ای را که به یکدیگر داده ایم به یاد خواهیم آورد. هر کدام از ما به خانواده دیگری احسان خواهیم کرد"

سپس یوناتان به شهر بازگشت و داوود رفت تا از دسترس پادشاه عصبانی مخفی شود. ای کاش شائول از خدا می خواست تا به او کمک کند که گناه! حسادت اش را متوقف کند

تقلا

اگر به عیسی خداوند عنوان نجات دهنده تان اعتماد کرده اید، با کمک خدا می توانید گناه حسادت را متوقف کنید. شاید مانند امیر، در داستان ابتدای درس ما، شما نسبت به همه حسود هستید. اما شما می توانید متفاوت باشید. شما می توانید شخصی به دنبال اراده خدا باشید. شما می توانید شخصی باشید که از کنترل شدن به وسیله حسادت خود داری می کند. وقتی که وسوسه می شوید تا حسود باشید، چه کاری می توانید بکنید؟ (به پاسخ ها گوش دهید.) به یاد آورید که حسادت را "ترک کنید". از خدا بخواهید که افکار حسادت آمیز شما را متوقف کند، پیش از آن که این افکار منجر به اعمال بسیار بد شود. از خدا بخواهید که به شما کمک کند تا "... انسانیت تازه را که به صورت خدا در عدالت و قدوسیت حقیقی آفریده شده است (بپوشید)." (افسیان ۴: ۲۴)

، این هفته وقتی که نسبت به کسی احساس حسادت می کنید

(۱) برای او دعا کنید

(۲) به دنبال چیز نیکویی در او باشید

(۳) به او بگویید که قابلیت های او را ستایش می کنید

(۴) از خدا به خاطر کاری که در او انجام می دهد، تشکر کنید

آیا از خدا بخواهید خواست که به شما قدرت دهد که گناه حسادت را متوقف کنید؟

من برگه ای دارم که آیه حفظی امروز و لیست این چهار چیز در آن نوشته شده است. شما می توانید یکی از آنها را در موقع ترک کلاس به عنوان یادآور بردارید

هفته بعد، شما می توانید با ما در میان بگذارید که خدا چگونه به شما کمک کرد که گناه حسادت را در زندگی تان متوقف کنید و ما می توانیم با هم از خدا تشکر کنیم

انجیل و دعوت

شاید هرگز به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده خویش ایمان نیاورده اید. شاید امروز درک کرده اید که گناه کرده اید. گناه شکستن قوانین و شریعت خداست. وقتی شما انتخاب می کنید که به جای راه خدا به راه خودتان بروید، گناه است. کتاب مقدس می گوید گناه باید مجازات شود، اما خدا محبت خود را به شما و من نشان داد. او پسر اش، عیسی مسیح خداوند را به زمین فرستاد تا مجازات گناهان ما را بردارد. کلام خدا می گوید: "لکن خدا محبت خود را در ما ثابت می کند از این که هنگامی که ما هنوز گناهکار (بودیم، مسیح در راه ما مرد." (رومیان ۵: ۸)

عیسی عالی- بدون گناه- بود. اما وقتی که او بر روی صلیب به جای ما مرد، خون اش را برای گناهان شما و من داد

او دفن شد و بعد از سه روز قیام کرد. اگر شما به آنچه عیسی برای شما انجام داد کاملاً ایمان آورید، خدا هدیه زندگی جاودانی با او را به شما ارائه می دهد

کتاب مقدس می گوید، "زیرا خدا جهان را آنقدر محبت نمود که پسر یگانه

خود را داد تا هر که به او ایمان آورد، هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی (یابد). " (یوحنا ۳: ۱۶)

آیا امروز به او ایمان می آورید و زندگی جاودانی را دریافت می کنید؟ لطفاً سرتان را خم کنید و چشم هایتان را ببندید. اگر مایلید که به عیسی خداوند ایمان آورید، آیا با بلند کردن دستتان به من نشان می دهید؟ (مکث کنید و متوجه پاسخ ها شوید)

اگر شما دستتان را بلند کردید، من مایل هستم که مرا (در یک مکان و زمان مشخص) ملاقات کنید تا بتوانم از روی کلام خدا به شما نشان دهم. که چگونه می توانید زندگی جاودانی را دریافت کنید

سوالات مروری

۱. بعد از این که داوود جلیات را کشت، چرا شائول پادشاه از او خواست تادر قصر بماند؟
شائول پادشاه داوود را بکی از فرماندهان لشکر خود ساخت، او همچنین موسیقیدان شخصی پادشاه بود
۲. یوناتان برای نشان دادن محبت اش چه چیزی به داوود داد؟
شمشیر اش - لباس اش- کمان و کمر بند اش
۳. چه اتفاقی افتاد که باعث شد شائول پادشاه نسبت به داوود حسادت بورزد؟
وقتی که ارتش با پیروزی بر فلسطینی ها بر می گشت، زن ها خواندند: "شائول هزاران خود و داوود ده هزاران خود را کشته اند"
۴. شائول پادشاه چطور سعی کرد که از دست داوود خلاص شود؟
او سعی کرد که با نیزه اش داوود را بکشد، او داوود را به نبرد با فلسطینی ها فرستاد
۵. چطور یوناتان نشان داد که نسبت به داوود حسود نبود؟
یوناتان سعی کرد که شائول پادشاه را متقاعد کند که جان داوود را ببخشد حتی اگر داوود به جای او پادشاه شود
۶. داوود و یوناتان چه وعده ای به یکدیگر دادند؟
که آنها همیشه به یکدیگر و خانواده های یکدیگر احسان کنند
۷. چرا اگر اجازه بدهید که حسادت شما را کنترل کند، خطرناک است؟
حسادت می تواند شما را به کارهای بسیار بد هدایت کند یا حتی باعث شود شما به کسی صدمه بزنید

۸. آیه حفظی امروز را تکرار کنید. (افسسیان ۴: ۲۴ "... و انسانیت تازه را ("که به صورت خدا در عدالت و قدوسیت آفریده شده است، بپوشید

۹. یک مسیحی چه کاری می تواند انجام دهد تا احساس حسادت به یک شخص را متوقف کند؟

۱- برای آن شخص دعا کنید۲- در جستجوی چیز نیکویی در آن شخص باشید۳- به او بگویید که قابلیت هایش را می ستایید۴- از خدا برای کاری که در او انجام می دهد، تشکر کنید

۱۰. چرا نیاز دارید که عیسی خداوند که در شما زندگی می کند، به شما کمک کند که حسود نباشید؟

زیرا تا وقتی که عیسی در شما زندگی نکند، گناهتان افکار ، سخنان و اعمالتان را کنترل می کند. تنها عیسی می تواند به شما قوت دهد که به حسادت ، نه بگویید

چشم انداز	
متن کتاب مقدس	اول سموئیل ۲۴: ۱-۲۲، ۲۶: ۱-۲۵
آیه حفظی	متی ۵: ۴۴ "... دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند، احساس کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند دعای خیر کنید
هدف تعلیم	بچه نجات یافته کسانی را که با او بد رفتاری می کنند، با نشان دادن مهربانی و محبت به آنها می بخشد
تعلیم اصلی	خدا می خواهد شما حتی به کسانی که با شما بد رفتاری می کنند، احسان کنید
تاکید برای نجات نیافتگان	به عیسی خداوند ایمان آور و نجات را دریافت کن
کمک های تصویری	۸۰- ۷۸ و ۷۶- ۷۰ و ۶۵- ۶۱- دی

خطوط کلی درس

۱- مقدمه


آیا تا به حال از کسی بسیار ناراحت بوده اید که بخواهید انتقام بگیرید؟ داوود می دانست که مورد بد رفتاری قرار گرفتن چه احساسی داشت. یک روز داوود فرصت ها داشت که انتقام بگیرد. او چه کرد؟

۲- پیشرفت وقایع

داوود از ترس جان اش، در چندین شهر و غار از شائول پادشاه پنهان شد. (۱: ۲۱- ۲۳: ۲۹)
 (ب- شائول به همراه ۳۰۰۰ مرد به جستجوی داوود در بیابان پرداخت. (۱: ۲۴- ۲)
 پ- شائول برای استراحت کردن در یک غار متوقف شد، داوود و مردان اش نیز در آن غار پنهان شده بودند. (۳: ۲۴)
 ت- داوود تکه ای از لباس شائول را برید، مردان اش به او اصرار کردند که شائول را بکشد ولی داوود این کار را نکرد. (۴: ۲۴)

د- مانع مردان اش شد، او نپذیرفت که ایشان به رهبر مسح شده خدا آسیب برسانند. (۲۴: ۵-
 ج- داوود تکه لباس را به شائول نشان داد تا ثابت کند که جان شائول را بخشیده بود و از او بخواهد که از دنبال کردن او دست بکشد. (۲۴: ۸- ۱۵)

(چ- شائول توبه کرد، و مقرر شدن داوود به عنوان پادشاه را اطلاع داد. (۲۴ : ۱۶ - ۲۲
ح- شائول به دنبال کردن داوود در صحرای دیگری ادامه داد. (۲۶ : ۱ - ۳
خ- در شب داوود و یکی از خدمتکاران اش به درون اردویی که شائول در آنجا خوابیده بود رفتند. (۲۶ : ۴ - ۷)
د- خدمتکار داوود خواست که شائول را بکشد، اما داوود از حمله کردن به پادشاه مسح شده خداوند خود داری کرد. (۲۶ : ۸ - ۱۰)


و- داوود و سایل دزدیده شده را به شائول نشان داد، و ثابت کرد که زندگی شائول را دوباره بخشیده است. (۲۶ : ۱۳ - ۲۴)

۳- نقطه اوج داستان
چون داوود انتخاب کرد که به جای انتقام گرفتن شائول را ببخشد و به او احسان کند، شائول پادشاه نهایتاً از تعجب دست کشید. (۲۶ : ۲۵)

۴- نتیجه
(شائول و داوود در آرامش از یکدیگر جدا شدند. (۲۶ : ۲۵)


(حتی به کسانی که با تو بد رفتاری می کنند احسان نما. (متی ۵ : ۴۴)


(به عیسی خداوند ایمان بیاور و نجات را دریافت کن. (اعمال ۱۶ : ۳۱)

تعلیم آیه حفظی

آیه حفظی: متی ۵: ۴۴

دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و ... " به آنانی که از شما نفرت دارند، احسان کنید و به شما فحش دهد و جفا رساند، "دعای خیر کنید"

مقدمه:

دوست داشتن یک شخص به چه مفهوم است؟ (بحث کنید.) یعنی این که شما انتخاب می کنید که برای آن شخص اهمیت قائل شوید و به او احسان کنید، بدون توجه به این که او چه کاری انجام می دهد یا چطور با شما رفتار می کند. آیا انجام این کار بعضی اوقات مشکل است؟ خدا برای ما پیغامی درباره دوست داشتن دیگران داد.

معرفی:

آیه را از روی کتاب مقدس تان بخوانید – با اجازه دهید که بچه بزرگ تری (آن را بخواند) بعد اجازه دهید که بچه ها آیه را از روی آیه نمایشی با شما بخوانند

توضیح:

دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید" – آیا " شما دشمنی دارید؟ دشمن شما می تواند کسی باشد که با شما بد رفتاری می کند یا شما را مسخره می کند. خدا می گوید که شما باید با کسانی که دشمن شما هستند مهربان باشید و برای آنها اهمیت قائل شوید. روش خدا برای نشان دادن محبت این است که به آنها برکت دهید – آنها را خوشحال کنید – حتی اگر آنها چیزهای ظالمانه به شما می گویند. و به آنانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید" – بله، در واقع شما باید برای " کسانی که شما را دوست ندارند، کارهای خوب انجام دهید. و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند، دعای خیر کنید" – به جای این " که از کسانی که کارهای ظالمانه نسبت به شما انجام می دهند و به شما آسیب می رسانند، انتقام بگیرید، خدا می خواهد که شما برای آن افراد دعا کنید.

کاربرد:

نجات یافتگان: خدا شما را بدون توجه به این که چه کاری انجام داده اید دوست دارد. اگر به عیسی خداوند ایمان آورده اید تا شما را از گناه نجات دهد، شما می دانید که خدا چقدر زیاد شما را دوست دارد. خدا می خواهد که شما دیگران را دوست بدارید. خدا می خواهد شما حتی به کسانی که با شما بد رفتاری می کنند، احسان کنید. نجات نیافتگان: حتی اگر شما به عیسی ایمان نیاورده اید تا شما را از گناه نجات دهد، خدا شما را دوست دارد. او می خواهد شما را نجات دهد و شما را

بخشی از خانواده خود سازد. در ادامه درس کتاب مقدس با دقت گوش دهید تا بشنوید که پسر خدا، عیسی خداوند برای شما چه کاری انجام داد.

تکرار: برای یک کلمه دست بزنید.

یکی از بچه های را انتخاب کنید تا پشت به آیه نمایی و کلاس بایستد. بچه (دیگری را انتخاب کنید تا به یکی از کلمات آیه نمایی اشاره کند. بچه ها را در گفتن آیه هدایت کنید، اما وقتی که به کلمه انتخاب شده می رسید، بچه جای گفتن آن دست بزنید. بعد بچه ای که پشت به آیه نمایی است سعی می کند تا حدس بزند که کلمه انتخاب شده چه بود. بازی را ادامه دهید، هر بار اجازه (دهید که دو بچه مزبور دو نفر دیگر را با خود تعویض کنند).

درس

مقدمه

آیا تا به حال آنقدر از شخصی نا راحت بوده اید که بخواهید از او انتقام (بگیرید؟) (بحث کنید

داوود می دانست که مورد بد رفتاری قرار گرفتن چه احساسی داشت. شائول پادشاه به خاطر حسادت اش حتی سعی کرد که او را بکشد! یک روز داوود فرصت داشن که انتقام بگیرد. او چه کرد؟

پیشرفت وقایع

تصویر غار، ۴۶- دی، داوود، ۶۱- دی و مردان، ۶۵- دی را نصب (کنید.)

داوود و چند صد مردی که از او پیروی می کردند با عجله از دهانه باریک غار به داخل عبور کردند. داخل غار به یک حفره بسیار بزرگ می رسید. ایشان خیلی خسته بودند، پس بر روی زمین خنک و نمناک نشستند. نبودن! در زیر خورشید داغ لذت بخش بود

کجا هستیم؟" شاید یکی از مردان پرسید. " ما در عین جدی هستیم"، داوود " پاسخ داد

او می توانست سر در گمی مرد را درک کند. آنها برای مدت بسیار زیادی از شائول پادشاه فرار می کردند، بسیار سخت بود که به یاد آورند که کجا بودند! وقتی که مردان استراحت می کردند، شاید ذهن داوود به اندیشیدن درباره تجربیات گذشته اش در فرار از شائول می پرداخت. به چند جای مختلف او رفته بود تا از خشم درنده پادشاه فرار کند؟

شمارش از دست داوود خارج شده بود! از روز غمباری که یوناتان در صحرا با او خدا حافظی کرده بود، داوود در حال فرار بود. گناه حسادت شائول کنترل کامل زندگی اش را به دست گرفته بود. حالا او مصمم بود تا داوود را بکشد. گناه باعث می شود تا انسان ها کارهای بسیار بدی انجام دهند!

هر کدام از ما تحت کنترل گناه به دنیا می آییم. چیزی در درون ما است که می خواهد گناه کند، شریعت خدا را بشکند. این تمایل گناه آلود است که باعث می شود ما کارهای گناه آلود انجام دهیم. (بچه ها را تشویق کنید تا (مثال بزنند

شاید شما فکر کنید گناهتان بد نیست، اما خدا نمی تواند هیچ گناهی را بپذیرد، گناه شما را از خدا جدا می سازد. خدا مقدس است، او از همه گناهان پاک است، او از گناه متنفر است. اما او شما را دوست دارد و راهی برای گناه شما ساخت تا بخشیده شوید. او پسر عالی اش، عیسی خداوند را فرستاد تا با دادن خون اش بر روی صلیب، بهای گناه شما را بپردازد. کتاب مقدس می گوید: "که در وی (عیسی) به سبب خون او فدیة یعنی (امرزش گناهان را به اندازه دولت فیض او یافته ایم." (افسیان ۱: ۷ عیسی مستحق مجازات شدن نبود، اما او گناهان ما را بر خویش گرفت، (تا ما مجازات نشویم) دوم قرنتیان ۵: ۲۱

عیسی مرد و دفن شد. بعد از آن او دوباره زنده شد. شما می توانید به او ایمان آورید - کاملاً به آنچه او بر روی صلیب برای شما انجام داد اعتماد کنید، و از مجازات گناهتان نجات یابید. آنوقت او زندگی شما را تغییر خواهد داد. شما دیگر نباید به وسیله گناه کنترل شوید.

شائول پادشاه به وسیله گناه حسادت اش کنترل می شد. این باعث شد که او کارهای بسیار بدی انجام دهد. حالا او مصمم بود که داوود را بکشد. (تصویر نوب، ۶۲- دی و جت، ۶۳- دی را نصب کنید)

داوود به شهر کوچکی به نام نوب فرار کرد، او امیدوار بود که در آنجا پنهان شود، اما او توسط یکی از خدمتکاران شائول شناخته شد و می باید از آنجا می رفت. داوود در ترس و ناامیدی به شهر جت در سرزمین فلسطینیان رفت. او به شهری رفت که دشمن قدیمی اش جلیات زندگی می کرد

داوود به آنچه که انجام داد افتخار نمی کرد! او دروغ گفت و حتی وانمود به دیوانگی کرد، به این امید که بتواند جایی برای پنهان شدن بیابد. وقتی که او از جت برگردانده شد، او به دیار خود اش بازگشت و در یک غار پنهان شد. این همان زمانی است که او با مردانی که اکنون با او سفر می کردند آشنا شد. داوود به اطراف به ۶۰۰ سرباز خود نگاه کرد. آنها یک گروه از مردان با قیافه های خشن و خشک بودند. بیشتر آنها فقیر و بی خانمان بودند و بعضی از آنها از حکومت پادشاه فرار می کردند. داوود به این مردان آموزش داد و ایشان دوستان وفادار او شدند.

(تصویر یوناتان، ۷۰- دی را نصب کنید)

ایشان با همدیگر زمان های سختی را تجربه کردند، مخصوصاً وقتی که در مقابل شائول و ارتش ۳۰۰۰ نفره اش بایستند. در یکی از مخفیگاه های ایشان، دوست عزیز داوود، یوناتان ملاقات کوتاهی با او داشت. یوناتان داوود را تشویق کرد تا همچنان به خدا توکل کند و ایشان قول خویش مبنی بر مراقبت از خانواده های یکدیگر را تهدید کردند.

بعد آنها از یکدیگر خداخافظی کردند، بدون این که بدانند این آخرین باری خواهد بود که یکدیگر را می بینند.

(تصویر یوناتان، ۷۰ - دی را بردارید)

داوود و مردان اش در غارها، جنگل ها و دره های عمیق پنهان می شدند. یک بار داوود و شائول در دو طرف یک کوه بودند، اما وقتی که شائول به داوود نزدیک می شد، فلسطینی ها اسرائیل را اشغال کردند و شائول برای مبارزه با آنها ، آنجا را ترک کرد

داوود دوباره فرار کرد، این بار او به عین جدی، جایی که اکنون در این غار (پنهان شده بود ، رفت.) تمام تصاویر به جز داوود، ۶۱- دی را بردارید بعد از این نبرد با فلسطینی ها ، شائول پادشاه شنید که داوود به عین جدی فرار کرده است. شائول با ارتش عظیم اش با عجله به آنجا رفت. این بار او به داوود اجازه فرار کردن نمی داد

وقتی که شائول بدون این که بداند توسط داوود و مردان اش تماشا می شود، غاری را انتخاب کرده بود که آنها در آن پنهان شده بودند

(تصویر شائول، ۷۱- دی را نصب کنید)

در حالی که داوود نیزه اش را در دست داشت، به آهستگی به سوی پادشاه رفت. مردان در حالی که به سختی نفس می کشیدند تماشا می کردند. به زودی شائول می مرد و آنها ازاد می شدند

مردان داوود فکر می کردند که این زمان عالی داوود برای انتقام گرفتن از شائول پادشاه بود

آیا تا به حال خواسته اید از کسی که با شما بد رفتاری کرد، انتقام بگیرید؟ شاید دوستی باعث شرمندگی شما در مقابل دیگران شد، یا شاید چیزهایی درباره شما گفت که حقیقت نداشت. شاید شخصی عمداً سعی کرد که مشکلی برای شما ایجاد کند

وقتی که کسی با شما غیر منصفانه رفتار می کند چه احساسی دارید؟ درباره احساساتی مانند عصبانیت، نگرانی و صدمه بحث کنید. (وقتی) که کسی به شما آزار می رساند، شاید نخستین جواب شما انتقام گرفتن - تلافی کردن باشد. اما خدا از میل انتقام ما متنفر است چون این نشان می دهد که ما به او توکل نداریم که در حال کنترل موقعیت است. اگر شما عیسی را به عنوان نجات دهنده تان می شناسید، خدا می خواهد حتی به کسانی که با شما بد رفتاری می کنند احسان کنید

کلام خدا می گوید، " مغلوب بدی مشو بلکه بدی را به نیکویی مغلوب ساز." (رومیان ۱۲ : ۲۱) ما نباید در جستجوی انتقام باشیم (رومیان ۱۲ : ۱۹)

به جای این که اجازه دهید که نامهربانی کسی احساسات و افکار شما را کنترل کند، خدا می تواند به شما کمک کند که به او محبت و مهربانی نشان دهید. همیشه آسان نیست که دیگران را که به شما آزار می رساندند دوست بدارید و آنها را ببخشید. مخصوصاً وقتی که کاری انجام ندادید که مستحق آن رفتار باشید

داوود کاری انجام نداده بود که مستحق ظلم شائول باشد، و اکنون او فرصت عالی داشت که انتقام بگیرد! داوود به دقت از کنار مردان خوابیده گذشت و گوشه ای از لباس شائول را برید. بعد او به تاریکی درون غار خزید

مردان داوود به او خیره شدند. چرا داوود این کار را کرد؟ آنها از خود پرسیدند. چرا او از این موقعیت استفاده نکرد تا از بدی این مرد که مصمم در کشتن داوود بود، خلاص شود؟

اما وقتی که داوود به تکه پارچه در دست اش نگاه کرد، دل اش به سختی "آزرده شد

او به مردان اش زمزمه کرد، "نه! در واقع، من نباید حتی این کار را نیز با پادشاه مسح شده خداوند می کردم." داوود می دانست که شائول کسی بود که خدا انتخاب کرده بود. شائول وقتی که اسرائیلی ها برای اولین بار تقاضای یک پادشاه کردند، توسط خدا انتخاب شد. هر چند که خود داوود به وسیله سموئیل به عنوان پادشاه بعدی اسرائیل مسح شده بود، اما این زمان خدا برای او نبود که پادشاه شود

داوود می دانست که باید به مقام شائول به عنوان رهبر اسرائیل احترام بگذارد، بدون توجه به این که شائول چطور با او رفتار کرد

(. تصویر شائول، ۷۱- دی، همراه ۷۳- دی را نصب کنید)

درست بعد از آن که شائول از غار خارج شد، هنوز نمی دانست که داوود آنجا بود. داوود تا در وزودی غار شائول را دنبال کرد. بعد از این که شائول مقداری از داوود دور شد، داوود او را صدا کرد، "سرورم، پادشاهها!" وقتی که شائول صدای داوود را شنید، می باید به دور خود چرخیده بود. او دید که داوود در سایه دهانه غار ایستاده است

داوود ادامه داد: "چرا به مردی که می گویند داوود قصد اذیت تو را دارد گوش می دهی؟"

ببین می توانی ببینی چطور امروز خداوند تو را به دست من تسلیم کرد، اما من تو را بخشیدم." داوود تکه پارچه ای را که از لباس شائول بریده بود، تکان داد

(. تصویر تکه لباس، ۷۴- دی در دست داوود را نصب کنید)

شائول می باید به لبه بریده شده لباس اش و بعد در تعجب به داوود نگاه کرده بود، داوود گفت: "من به مردان ام گفتم: "ما او را لمس نخواهیم کرد زیرا "مسح شده خداوند است"

شائول پاسخ داد، "آیا این آواز توست داوود؟" شائول با چشمانی اشکیار ادامه داد، "تو از من نیکو تر هستی زیرا که تو جزای نیکو به من رسانیدی و من جزای بد به تو رسانیدم. و تو امروز ظاهر کردی که چگونه به من احسان نمودی چون که خداوند مرا به دست تو تسلیم کرده، و مرا نکشتی. و اگر کسی دشمن خویش را بیابد، آیا او را به نماید؟ پس خداوند تو را به نیکویی جزا دهد به سبب آنچه امروز به من کردی. حال اینک می دانم که البته پادشاه خواهی شد و سلطنت اسرائیل در دست تو ثابت خواهد گردید. پس الان برای من قسم به خداوند بخود که بعد از من ذریه مرا منقطع نسازی و اسم مرا از خاندان پدرم محو نکنی." داوود برای شائول قسم خورد

شائول به خانه بازگشت و داوود مخفیگاه جدیدی پیدا کرد. شاید داوود شک داشت که شائول حقیقتاً تغییری در دل خود نسبت به او داشت. و داوود درست فکر می کرد، بعد از چند ماه شائول دوباره قصد جان داوود را کرد

تصاویر را بردارید. تصویر داوود، ۶۱- دی و ابیشای ۷۸- دی را نصب (کنید)

شائول به جستجوی داوود در منطقه بیابانی دیگری رفت. داوود جاسوسانی فرستاد تا اردوی شائول را بیابند. آنوقت داوود یکی از مردان مورد اطمینان خود، ابیشای را برداشت و در شب به جستجوی شائول پرداخت. در تاریکی داوود و ابیشای پا ور چین پاورچین به نزدیک اردوگاه رفتند. شائول در میان سربازان اش خوابیده به نظر می رسید. سردار شائول، ابنیر نزدیک او خوابیده بود. نیزه شائول نزدیک سر اش بر زمین کوبیده شده بود. (تصویر شائول و ابنیر، ۷۵- دی، نیزه، ۷۲- دی، و سیوی آب، ۷۶- دی را نصب کنید)

ابیشای به سختی می توانست باور کند! دشمن تنها چند متری از آنها فاصله داشت و کاملاً در مقابل یک حمله ناآماده بود! او به سمت داوود تکیه داد و گفت: " امروز خدا دشمن تو را به دستت تسلیم نموده. پس الان اذن بده تا او را با نیزه یک دفعه به زمین بدوزم و او را دوباره نخواهم زد. " " نه " داوود جواب داد. " تو نمی توانی کسی را که خدا انتخاب کرده است، بکشی. خداوند در وقت اش از او مراقبت خواهد کرد. حاشا بر من از خداوند که دست خود را بر مسیح خداوند دراز کنم. " داوود از سود جستن از دومین فرصت خویش برای انتقام گرفتن خودداری کرد. در عوض او به دشمن اش محبت و مهربانی نشان داد و به خدا برای کنترل کردن وضعیت اعتماد کرد.

اگر عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده تان می شناسید، خدا می خواهد شما حتی به کسانی که با شما بد رفتاری می کنند، احسان کنید. شما باید به یاد آورید که انتقام و شیفه شما نیست. خدا در وقت و روش خود اش از کسانی که با دیگران بد رفتاری می کنند، انتقام خواهد گرفت. وظیفه شما محبت کردن و بخشیدن دیگران است. اگر شما به جای تلافی کردن، به شخصی که با شما بد رفتاری کرد، محبت و مهربانی نشان دهید، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ او ممکن است درک کند در اشتباه بوده و سعی کند که کار درست را انجام دهد، شاید حتی با یکدیگر دوست شوید. حتی اگر او تغییر نکند، شما نیاز دارید آنطور عمل کنید که خدا گفته است. وقتی که شما با بخشیدن و احسان کردن از خدا اطاعت می کنید، او به شما پاداش نیکو می دهد. حتی شاید شما فرصتی بیابید که توضیح دهید چرا قادر به بخشیدن هستید، و شاید آن شخص به مسیح به عنوان نجات دهنده خویش ایمان آورد. کتاب مقدس می گوید: "... دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند، دعای خیر کنید. " (متی ۵: ۴۴)

وقتی که وسوسه می شوید تلافی کنید، درباره این آیه فکر کنید. از خدا بخواهید تا به شما کمک کند شخصی را که به شما آزار رسانده است ببخشید. بعد به دنبال چیز محبت آمیزی باشید که برای آن شخص انجام دهید تا محبت خدا را به او نشان دهید. (درباره این که چگونه می توان احسان کرد بحث کنید)

وقتی که شما با حخبت پاسبه می دهید، طوری جلوه خواهید کرد که شخصی به دنبال اراده خدا هستند. به این فکر کنید که خدا چقدر زیاد شما را بخشیده است! بخشیدن و احسان کردن به دشمن تان آسان نیست. شما نیاز دارید که از خدا بخواهید تا محبت اش را در دل شما قرار دهد و توکل کنید که خدا از وضعیت، مراقبت می کند

داوود به خدا اجازه داد تا در دل اش محبت و احترام به شائول پادشاه را قرار دهد و توکل کند که خدا از وضعیت مراقبت می کند. داوود نیزه و سبوی آبی را که در نزدیکی شائول بود برداشت و همراه ابیشای در سکوت بیرون خزیدند.

تصویر ابیشای را بردارید. تصویر داوود، ۶۱- دی و نیزه ۷۲- دی در دست اش و سبوی آب، ۷۶- دی را در کنار پایهای اش در سمت چپ نصب کنید.

وقتی که ایشان به سلامت به تپه ای در طرف دیگر اردوگاه شائول رسیدند، داوود فریاد زد، "ابنیر!" (تصویر شائول و ابنیر، ۷۵- دی، را با تصویر (ابنیر، ۷۹- دی تعویض کنید

ابنیر فوراً بیدار شد. او چشمان اش را مالید و فوراً برخاست. "تو کیستی که پادشاه را می خوانی؟" او در حالی که به اطراف اش نگاه می کرد، پرسید

داوود پاسخ داد: "آیا تو مرد نیستی و در اسرائیل مثل تو کیستی؟ پس چرا آقای خود پادشاه را نگاهبانی نمی کنی؟ زیرا یکی از قوم آمد تا آقاییت را هلاک کند. پس الان ببین که نیزه و سبوی آب که نزد یک سر اش بود، کجا است؟"

داوود به حالت تمسخر آمیزی متعلقات پادشاه را به دستان اش بلند کرد. وقتی که ابنیر درک کرد که داوود از کنار پادشاه که خوابیده بود، به آرامی رد شده است، چهره اش می باید قرمز شده بود. (تصویر شائول، ۷۳- دی را نصب کنید

تا این موقع شائول نیز بیدار شد. "آیا این آواز توست ای پسر من داوود؟" شائول صدا زد. "بله ای آقای پادشاه، آواز من است" داوود پاسخ داد. "این از چه سبب است که آقای بنده خود را تعاقب می کنی؟ زیرا چه کردم و چه بدی در دست من است؟" داوود پرسید

گناه ورزیده ام "شائول پاسخ داد. "برگرد و دیگر تو را اذیت نخواهم کرد، چونکه امروز جان من در نظر تو عزیز آمد. اینک احمقانه رفتار نمودم " و بسیار گمراه شدم

داوود نیزه پادشاه را برگرداند و گفت: "و خداوند هر کس را بر حسب عدالت و امانت اش پاداش می دهد، چونکه امروز خداوند تو را به دست من سپرده بود. اما نخواستم دست خود را بر مسیح خداوند دراز کنم." شائول پادشاه جواب داد: "مبارک باش ای پسر من داوود، البته کارهای عشیم خواهی کرد و غالب خواهی شد

نقطه اوج داستان

چون داوود انتخاب کرد که ببخشد و به جای انتقام گرفتن ، احسان کند، شائول (پادشاه بالاخره تعقیب مرگبار خویش را رها کرد.) تصاویر را بردارید

نتیجه

شائول پادشاه به خانه برگشت و داوود به راه خویش رفت و دیگر از دشمن اش فرار نمی کرد. داوود نیاز به انتقام گرفتن نداشت. در عوض او به دشمن اش محبت و بخشش نشان داد و به خدا توکل کرد که از وضعیت مراقبت نماید. داوود حقیقتاً مردی به دنبال اراده خدا بود

تقلا

(.صویر بچه ها، ۸۰- دی را نصب کنید)

همان طور که ما در هفته های گذشته یاد گرفتیم ، خدا می خواهد که شما شخصی به دنبال اراده او باشید، او می خواهد شما کارها را انطور که خود اش می خواهد انجام دهید (تعلیم اصلی هر یک از این دروس را مرور کنید.) امروز ما یاد گرفتیم که بخشیدن و محبت کردن به دشمنان تان صفت دیگری از چنین شخصی است. اگر شما عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خود می شناسید، خدا می خواهد شما حتی به کسانی که با شما بد رفتاری می کنند، احسان کنید. این هفته ، وقتی که وسوسه می شوید تا از کسی که با شما بد رفتاری می کند انتقام بگیرید، درباره آیه حفظی ما فکر کنید.

متی ۵: ۴۴ را با همدیگر تکرار کنید. (از خدا بخواهید که محبت اش) برای آن شخص را به شما بدهد و به شما کمک کند که او را ببخشید. بعد درباره چیزی فکر کنید که می توانید با انجام دادن ان به او احسان کنید. وقتی که شما این کار را انجام می دهید، خدا شما را برکت می دهد و از کارهای اشتباهی که نسبت به شما انجام شده است ، مراقبت خواهد کرد. شاید درست حالا درباره کسی که به شما آزار رسانده فکر می کنید. مادامی که ما زمان کوتاهی برای دعا در سکوت داریم، شما می توانید درباره آن (شخص با خدا صحبت کنید.) بچه ها را در دعا هدایت کنید

امروز وقتی که می روید یکی از این برگه ها را که تصویر یک قلب خالی در آن است بردارید. این هفته ، برای شخصی که به شما آزار رسانده دعا کنید و از خدا بخواهید تا به شما کمک کند که به او احسان کنید. وقتی که کاری انجام می دهید تا به آن شخص احسان کنید، یک چهره با لبخند در قلب بکشید. هفته دیگر می توانید با ما در میان بگذارید که خدا چطور به شما کمک کرد تا آن کار را انجام دهید

دعوت

شما تا وقتی که خودتان تجربه نکنید نمی توانید محبت و بخشش خدا را به دیگران نشان دهید. اگر می دانید گناه کرده اید و از عیسی خداوند بخواهید شما را ببخشد، و با تمام دلتان ایمان بیاورید که عیسی خداوند مرد تاجزات گناهتان را برای شما بردارد، امروز می توانید نجات یابید. کتاب مقدس می گوید: " به خداوند عیسی مسیح ایمان آور که تو و اهل خانه (ات نجات خواهید یافت. " (اعمال ۱۶ : ۳۱)

آیا به عیسی خداوندایمان می آورید (کاملاً اعتماد می کنید) و امروز از مجازات گناهتان نجات می یابید؟ بیایید همگی سرمان را خم کنیم و چشم های مان را ببندیم. اگر مایلید که امروز ایمان آورید و نجات یابید، لطفاً با ایستادن در کنار صندلی تان به من نشان دهید

(مکث کنید و متوجه جواب ها شوید)

آنهايي که ایستاده اند می توانند با من (به مکان و زمان مشخص) بیایند تا من بتوانم از روی کلام خدا به شما نشان دهم که چطور می توانید نجات یابید

سوالات مروری

- ۱- چرا داوود و مردان اش از جایی به جایی دیگر فرار می کردند و در غار پنهان می شدند؟
آنها از شائول پادشاه فرار می کردند زیرا او به خاطر حسد اش سعی در کشتن داوود داشت.
- ۲- داوود و یوناتان در آخرین دیدارشان درباره چه صحبت کردند؟
یوناتان داوود را تشویق کرد تا به خدا توکل کند، آنها عهد دوستی شان را تجدید کردند
- ۳- وقتی که مردان داوود در غاری در عین جدی پنهان شده بودند، چه چیزی واقع شد که باعث هیجان ایشان شد؟
شائول نیز همان غار را برای استراحت کردن انتخاب کرد، آنها فکر کردند که داوود شائول را خواهد کشت
- ۴- چرا داوود از کشتن شائول خودداری کرد و حتی از بریدن گوشه ای از ردای او احساس تقصیر کرد؟
او به شائول به عنوان رهبر برگزیده خدا برای اسرائیل احترام می گذاشت
- ۵- چرا خدا از تمایل به انتقام ما متنفر است؟
زیرا تمایل به انتقام ما نشان می دهد که ما به خدا برای کنترل موقعیت مان اعتماد نمی کنیم
- ۶- چه ایه ای به ما می گوید که چطور نسبت به دشمن مان رفتار کنیم؟

چطور شما می توانید به دشمنان تان احسان کنید؟
متی ۵: ۴۴ "... دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود
برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید و به هر که به شما
فحش دهد و جفا رساند، دعای خیر کنید." کار نیکویی برای آنها انجام دهید،
...درباره عیسی به آنها بگویید

۷- وقتی داوود فرصت دومی برای کشتن شائول داشت چه کرد؟
او نیزه و سبوی آب شائول را برداشت تا نشان دهد که به اندازه کافی به
شائول نزدیک بود ولی از آسیب رساندن به او خودداری کرد

۸- وقتی که داوود زندگی شائول را بخشید، پاسخ شائول چه بود؟
شائول متأسف شد و از تعقیب داوود دست کشید

۹- چطور می توانید مردی (شخصی) به دنبال اراده خدا باشید؟
جای اول در زندگی تان را به خدا بدهید، کاملاً از خدا اطاعت کنید، دلی
داشته باشید که در رابطه صحیحی با خداست، به خدا توکل کنید تا به شما
جرات دهد، اجازه ندهید که حسادت شما را کنترل کند، کسانی را که با شما
بد رفتاری می کنند ببخشید و کارهای نیکو برایشان انجام دهید

۱۰- خدا چه کرده تا محبت و بخشش اش نسبت به شما را نشان دهد؟ او می
خواهد که شما چه کاری انجام دهید؟
او پسر اش عیسی را فرستاد تا به عنوان پرداخت بهای گناهتان بر روی
صلیب رنج بکشد و بمیرد. او می خواهد که شما به آنچه که او برای شما
انجام داده است ایمان بیاورید و نجات یابید